



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام خمینی و الگوهای

دین شناختی در

مسائل زنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان

نویسنده:

ضیاء مرتضوی

ناشر چاپی:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۱۵	کلمه نخست
۲۴	بخش اول : انسان شناسی و کلام
۲۴	یکم : انسانیت ، عنصر مساوی و مشترک
۲۹	دوم : خوشبختی ، فراراه همه
۳۱	سوم : عاطفه ، نقطه عطف زندگی
۳۵	بخش دوم : خانواده تربیت
۳۵	چهارم : زنان ، زیربنای فضیلت‌های انسانی
۳۷	پنجم : انسان ، نیازمند الگو
۴۶	ششم : خانواده ، نهادی محوری و اصیل
۵۱	هفتم : شرافت مادری ، ارزشی بی همتا
۵۵	بخش سوم : جامعه و فرهنگ
۵۵	هشتم : زن و مرد، نقش تکمیلی متقابل
۶۰	نهم : ارزشهای وجودی ، میزان شخصیت
۶۸	دهم : زن ، آزاد و مسؤول در تعیین سرنوشت
۶۸	اشاره
۷۵	حضور در عرصه سازندگی
۷۶	تلاش فرهنگی
۷۶	مشارکت در نظارت عمومی
۷۷	حضور در دفاع و تدارک میدان نبرد
۷۹	یازدهم : عفاف و حجاب ، دژی تسخیرناپذیر

۸۳ دوازدهم : تحصیل و تدریس ، فرصتی برای همه

۸۳ توضیح

۸۸ ضمیمه : امام خمینی و راهبرد تهاجم

۹۳ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرتضوی ضیا، - ۱۳۳۷ عنوان و نام پدیدآور: امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسایل زنان نویسنده ضیا مرتضوی تهیه مجله پیام زن مشخصات نشر: قم حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: [۱۶۸] ص فروست: (کتابهای مجله پیام زن ۱۳) شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۷۱۶-۷-۷۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۴۲۴-۷۱۶-۷-۷۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: پشت جلد لاتینی شده... Ziya Mortazari: Emam Xomeyni... Va Olguhaye dinsenaxti dar masaele Zanan. یادداشت: کتابنامه ص [۱۶۸] موضوع: خمینی روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره زن موضوع: زنان در اسلام شناسه افزوده: پیام زن، ماهنامه شناسه افزوده: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات رده بندی کنگره: DSR۱۵۷۴/۵ / ۹ ز الف ۸ ۸۷۳۱ رده بندی دیویی: ۲۴۸۰/۵۵۹ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۷-۶۱۴۲۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده

و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند. حضرت امام خمینی، در جایگاه فقیهی بزرگ و فیلسوف و عارفی عالی قدر، از موضع رهبری انقلاب و نظام اسلامی، پس از حدود هشتاد سال تلاش علمی و جهاد علمی در شناخت حقایق دین و معارف ناب محمدی (ص)، در سندی جامع و جاودانه که برای پس از رحلت خویش رقم می زنند، تحول روحی و فرهنگی و شخصیتی بانوان و رهایی از محرومیتها و خرافات خودساخته و حضور شجاعانه و متعهدانه و همه جانبه آنان در عرصه های مختلف اجتماعی را در ردیف افتخارات خویش برمی شمارند و این تحول و حضور مبارک را سندی دیگر بر افتخارات خود و جامعه اسلامی و انقلابی معرفی می کنند.

آنچه در این سند افتخار، بیش از همه به عنوان دستاورد تحول در شخصیت انسانی و حضور اجتماعی بانوان، جلوه می کند، همان حضور مقتدرانه زنان، همدوش مردان در راه تعالی دین و حاکمیت اهداف قرآن می باشد و طبعاً حضور در میدان دفاع از اسلام و کشور اسلامی به مقتضای مسؤ ولیت دوران جنگ، یکی از مظاهر بسیار گویا و انکارناپذیر در حضور متعهدانه و بی بدیل بانوان است، اما آنچه در این فراز از سخن امام بیش از همه و به عنوان نقطه آغاز تحول و ابراز شایستگیها و اثبات امکان حضور متعهدانه بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی و تاءکید بر ضرورت آن، جلوه می کند و در واقع

نکات کلیدی آن به شمار می رود، یکی محرومیت تاریخی و تحمیلی بر بانوان است که زائیده دست دشمنان از یک سو، و ناآگاهی دوستان نسبت به دین و دیانت از دیگر سو، بوده است؛ دوم رویکرد شجاعانه و در عین حال متعهدانه بانوان به اسلام ناب از منظری که حضرت امام به آن می نگریستند و رها ساختن خود، از بند خرافات خودساخته می باشد؛ و سوم ناآگاهی برخی محافل مذهبی و برخی مدعیان دانش دین و سلوک دینی، که دستمایه دشمنان، برای دستیابی به منافع خود به شمار می رود؛ چهارم اینکه، محرومیت‌های یاد شده در واقع تحمیل ناآگاهی و جهل مرکب خود بر کرده اسلام و شانه مسلمانان است؛ آن هم به دست دوستانی که نه به ناآگاهی خویش آگاهند و معترف، و نه عرصه را برای دانایان متعهد و متعهدان دانا رها می کنند. این است که مبارزه برای نمایاندن چهره ناب دین محمدی (ص) و آشکار ساختن خورشید تابناک شریعت احمدی (ص) قربانی می طلبد و مقابله با آن مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیل و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت سرب جگر و جان را می سوخت و می درید. با اینهمه و علی رغم دشواری مبارزه در جبهه خودی، برای در هم شکستن قید و بندهایی که در لایه هایی از مقدس

نمایی و قداست فروشی و تحجر و زبان ناشناسی ، پیچیده بود، چاره ای جز به جان خریدن تیرهای تهمت و تهدید نبود مبارزه ای نفس گیر و مستمر که راهی جز استمرار آن وجود ندارد:

ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم . (۱)

و اینچنین است که در نگاه ما مهمترین رسالت جامعه اسلامی و انقلابی بویژه نسلی که همزاد با انقلاب اسلامی و سالهای پس از پیروزی است ، شناخت دین و حقایق اسلام از منظر نگاه حضرت امام و بازنگری در دریافته ای فکری و باورداشته ای دینی و سلوک ایمانی و دیانتی خود بر اساس الگوهای دین شناختی حضرت امام می باشد. و طبعا ضرورت این بازشناسی در حوزه مسایل زنان دو چندان می شود. و این مهم ، تنها در صورتی شدنی است که از یک سو، شناخت جامع و درستی از شخصیت علمی و دیانتی حضرت امام و ویژگیهایی که ایشان را به نسخه ای یگانه تبدیل کرده است داشته باشیم ، و از سوی دیگر وقتی از منظر اندیشه و نگاه امام به دین و آموزه های آن می نگریم ، نگاهی همه جانبه و با پرهیز از نگرش تبعیض آمیز به الگوهای دین شناسی آن بزرگوار باشد. بیشترین زمینه تحریف و طبعا بیشترین نگرانی نیز از همین نقطه است که باورمندان به اندیشه و

سلوک امام و علاقه مندان به شخصیت ایشان ، نگاهی تبعیض آمیز به شخصیت حضرت امام داشته باشند و یا اندیشه و عمل و در واقع شخصیت ایشان را آن گونه که خود می پسندند به تصویر کشند و در واقع در پی تاءید اندیشه و سلوک موجود خود باشند و نه تبیین و شناخت دین و دیانت در چارچوب الگوهای دین شناسی امام .

دستگاه اندیشه و طبعاً ساختار سلوک فردی و اجتماعی امام ، و به عبارتی شناخت و قرائت آن بزرگوار از اسلام و شریعت ، دستگاهی واحد با اجزایی بهم پیوسته است که هر جزء، جایگاه خاص خود را دارد و هر بخش با بخشهای دیگر پیوند می خورد. اگر در مثل ، سیاست و دیانت جدایی ناپذیرند، فرهنگ و اقتصاد و هنر و دانش و اخلاق و تربیت و معرفت به حقایق هستی و معنویت و فلسفه و عرفان و فقه و دیگر ابعاد دین و دینداری نیز بر همین مدار می چرخند و خاستگاه همه آنها، این حقیقت است که دین به عنوان دستگاه هدایت ، پاسخگوی همه نیازهایی است که دستمایه هدایت بشر به حیات طیب می باشد و همنوایی اندیشه و سلوک آدمی با ندهایی است که از ژرفای جانی برمی خیزد و نیازهایی که از عمق روح وی سر می کشد و گستره حیاتش را پوشانده است . و دین در این نگاه ، کلمه طیبه ای است که ریشه در جان آدمیان دارد و همه ، در لحظه لحظه زندگی خویش در سایه سار شاخه های آن ، حیات طیب را تجربه می کنند و از

میوه های معرفت الهی و سلوک آسمانی آن بهره می برند :

اءلم تر کیف ضرب الله مثلا كلمه طيبه كشجره طيبه اصلها ثابت و فرعها فى السماء تؤتى اءكلها كل حين باذن ربها . (۲)

چه اینکه بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد فرمود :

من عمل صالحا من ذكر و انثى و هو مؤمن فلنحینه حياه طيبه و لنجزینهم اجرهم باء حسن ماكانوا یعملون . (۳)

آبشخور این حیات طیب در این سوی زندگی و در قالب تن خاکی ، سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (ص) است که جز با شکستن حصارهای جهل و خرافه ، راهی برای دستیابی به آن نیست . و سخت ترین و در عین حال ظریف ترین مبارزه نیز درهم ریختن بتهای خرافه و جهل که به نام دانش و دین و دین باوری در عمیق ترین لایه های ذهن و عادت و تعبد فرد و قرارهای اجتماعی لانه کرده است می باشد. این است که در تاء کیدی دوباره ، و در فرصت تاریخی یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی ، بر این مهم پای می فشاریم که شناخت دین از منظر نگاه امام و از جمله شناخت شخصیت انسانی اسلامی زنان و مسایل آنان ، و آنگاه پایبندی به آموزه هایی که از این منظر می گیریم ، مهمترین مسؤ ولیت جامعه ما بویژه نسل پرنشاط و شایسته جوان است ، چرا که به فرموده آن بزرگوار امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد.

آنچه می خوانید نگاهی است در همین چارچوب به عمده ترین محورهای مسایل زنان ، که

شرح ضرورت آن و چگونگی پرداختن به آن در کلمه نخست کتاب آمده است . در نگاه ما، به دست دادن الگوهای دین شناسی در مسایل زنان ، از منظری که حضرت امام خمینی به آن می نگرد، از بایسته ترین نیازها در شناخت صحیح شخصیت انسانی ، حقوق و جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان می باشد. این مهم آنگاه ضرورتی دو چندان می باید که پیدایش و حرکت انقلاب اسلامی و چارچوب مدیریت نظام و جامعه اسلامی بر اساس خط و اندیشه حضرت امام خمینی است .

بزرگداشت یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی فرصت به دست داد تا از این منظر به دیدگاههای حضرت امام پرداخته شود. نوشته ای که پیش روی دارید دستاورد این تلاش است که نخست در ویژه نامه پیام زن به مناسبت بزرگداشت یکصدمین سال ولادت حضرت امام خمینی ، انتشار یافته است و اینک بی هیچ کاستی یا افزایشی تقدیم می شود. به گمان نویسندگان این نوشته می تواند هر چند به اجمال و در قالبی کلی ، نوع نگرش حضرت امام به مسایل زنان را نشان دهد و برای آنان که می خواهند از این منظر به تبیین و تحلیل مسایل یاد شده پردازند راهگشا باشد. ان شاء الله .

آنچه در ضمیمه کتاب به تناسب موضوع کتاب با عنوان امام خمینی و راهبرد تهاجم آمده است ، چنان که در آغاز مقدمه آن اشاره شده ، هر چند از اصل موضوع کتاب بیرون است اما تاءکید است از منظر دین شناسی حضرت امام خمینی بر پیشدستی در برابر دشمن در زمینه های مختلف ، از جمله مسایل فرهنگی

، و درآمدن از لاک دفاعی به موضعی هجومی .

این مهم در زمینه مسایل بانوان و شخصیت آنان در اسلام ، ضرورت دو چندان می یابد چرا که دهها سال است آنچه نوعاً در جوامع اسلامی در مقابل غرب و هم کیشان آن شاهد بوده ایم برخورد انفعالی و حداکثر، تلاش برای دفاع بوده است و نه تهاجم ؛ تهاجم به بهایی که به نام آزادی و دفاع از حقوق و شخصیت زن در غرب تراشیده شده و هجوم به سنگرهایی که از میان آن ، به ارزشها و مرزهای انسانی زنان در اسلام تاخته می شود. ما بواقع ، آنگاه می توانیم در چارچوب الگوهای دین شناسی امام به فهم معارف دینی و از جمله درک و معرفی شخصیت زن پردازیم و آنگاه می توانیم شاهد موفقیت جامعه خویش در دستیابی عملی به مدینه فاضله ای باشیم که زن و خانواده ، جایگاه و حقوق خویش را دارا باشند که بتوانیم بیگانگان و فرهنگ آنان را به موضعی که کاملاً تدافعی کشانده و در خارج از مرزهای جامعه خود، ضربه پذیر کنیم . آنچه در ضمیمه آمده تاءکید است بر این مهم و شرحی بر آنچه حضرت امام در این خصوص به آن فراخوانده اند.

درود بی پایان بر روح والای حضرت امام خمینی ، که با سرپنجه ایمان و اندیشه و دانش خود نظام جمهوری اسلامی ایران را بنا نهاد و در جامع ترین قالب و زیباترین شکل به بازسازی نگرش ما به اسلام و دیانت قیام کرد.

در اینجا لازم می دانم که از تلاش همکاران گرامی مجله پیام زن بویژه جناب آقای سید

حسن حسینی ، به خاطر تلاش در حروف چینی و صفحه آرایی کتاب سپاسگذاری کنم .

قم سید ضیاء مرتضوی ۱۳ آبانماه ۱۳۷۸

کلمه نخست

حضرت امام خمینی ، پس از معصومان (ع) که برگزیدگان خاص الهی اند، نسخه ای بی مثال از شخصیتی جامع است که برای تبیین و شناخت وی باید از زوایای متعددی نگریست و به تحلیل و ارزیابی و مقایسه پرداخت . حضرت امام ، در چهره یک انقلابی بزرگ ، کسی است که یکی از اصیل ترین انقلابها را تا سرمنزل پیروزی رهبری کرد. در مدیریت و رهبری ، نظامی را پایه ریزی و در سالهای دشوار شکل گیری و علی رغم توطئه ها و مانع تراشیهای بسیار، رهبری کرد که نسخه ای منحصر به فرد است . در مرجعیت دینی ، یکی از پرآوازه ترین مراجع است و دامنه تربیت صدها شاگرد در حوزه های مختلف اصول و فلسفه و اخلاق و عرفان نشست . در نگارش و بیان ، آثاری را در زمینه های مختلف ارائه کرد که برای سالهای سال سرمایه مراکز علمی و محافل فکری و پاسخگوی بسیاری نیازها خواهد بود.

در اخلاق و عرفان و سلوک معنوی ، هم از بعد نظری و هم در میدان عمل ، به عنوان یک عارف صاحب نظر، و سالک عالی مقدار، در ردیف یکی از اولیای عظیم الشان الهی ، لنگر آرامش و ثبات ملتی شد که جهان استکبار و سلطه جویان شرق و غرب ، عزت و آزادی آن را نشانه رفته اند. حتی در ادبیات عرفانی ، مجموعه ای از زیباترین سروده های عمیق عرفانی را بر جای گذاشت

و توان بالای خویش را در این خصوص نشان داد. در زندگی شخصی و سلوک خانوادگی در مقام همسر و پدر، نمونه ای متعالی و الگویی جاودانه از یک زندگی موفق را ارائه داد.

اینها و ابعاد دیگری از این دست که با یک نگاه کوتاه به شخصیت آن عزیز به چشم می آید، و نیز زوایای پنهان و لایه های عمیق دیگری از شخصیت امام که گذشت زمان آن را شکار خواهد ساخت ، هر کدام در جای خود بسیار مهم است و سرجمع نیز نسخه ای می شود که آن را امام خمینی می نامیم . اما یکی از مهمترین و راهگشاترین ابعاد شخصیتی امام و از یک منظر، مهمترین بعد شخصیت ایشان ، بعد دین شناسی و نوع نگرش ایشان به اسلام و تفسیری که از دین ارائه می کند و چهره ای که از اسلام ترسیم می نماید می باشد.

اگر از این منظر به ویژگیهایی که شخصیت استثنایی حضرت امام را شکل می بخشد نگاه شود، انسانی خواهیم یافت که بیشترین نسبت و عمیق ترین و جامعترین درک را از دین شریف اسلام دارد. انسانی با این ویژگیها، اسلام شناسی کم نظیر است که در حوزه علم و عمل و در عرصه عملی ساختن مکتب ، نمونه ای اعلی و شخصیتی بی مثال به شمار می رود. او در عرفان عملی و رهیافتهای شهودی که از مسیر دل و تصفیه درون به چنگ می آید، چنان که قرآن کریم بر رابطه روشن میان تقوا و معرفت تاءکید دارد به شناخت شهودی بسیاری حقایق نایل آمده است . (۴)

حضرت امام ، در عمق

ژرفترین حقایق و معارف را در مباحث عرفانی، فلسفی، اخلاقی و تفسیری خود ارائه کرده است و در سطح، اسلام را دین زندگی، دین حکومت و سیاست و دین مدیریت جامعه و سامان بخشی به زندگی مادی و معنوی بشر می‌داند. در جایی حضرت امام اسلام را نه دین حکومت بلکه اساسا مساوی با حکومت به معنای عام و فراگیر آن می‌شمارد و احکام و مقررات آن را در واقع قوانین اسلام و بخشی از حکومت و به منزله اموری ابزاری برای اجرای حکومت و بسط عدالت معرفی می‌کند.

(۵)

طبعا فرآیند دین شناسی انسانی شایسته و وارسته چون حضرت امام که از این منظر به دین و رهنمودهای آن می‌نگرد، بسیار متفاوت است با نظریه پردازی و در واقع توهم پردازی کسانی که یا به خاطر فقر ناشی از تحجر و بسته نگری، اساسا دین را امری منفک از سیاست و مدیریت جامعه می‌شمارند، و یا از سر روشنفکرنمایی و وارفتگی سیاسی علمی در نظریه نویسی، حتی حکومت و سیاست و مدیریت پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) را نیز امری زمینی و غیر الهی و خارج از رسالت دین و در حوزه تشخیص و خواست عرف و جامعه معرفی می‌کنند و عهده داری آن توسط پیامبران و امامان را تنها ناشی از تن دادن به خواست مردم می‌دانند؛ و در بیشتر روزگاران که به گفته اینان، مردمان چنین خواست و اقبالی را نسبت به حکومت انبیاء (ع) و ائمه (ع) نداشته اند، آنان نیز به تنها

اینک مجال پرداختن مبسوط به این وجهه از شخصیت حضرت امام نیست. هدف فقط اشاره به این است که اولاً- اگر به شایستگیهای کم نظیر حضرت امام در شناخت، قرائت و تفسیر صحیح و جامع از دین و شریعت اسلامی توجه شود، و ثانیاً به جایگاهی که ایشان از آن منظر حوزه عمل دین و ترسیم و تفسیر چهره شریعت مقدس می پردازند توجه شود، و ثالثاً اگر به نیاز حیاتی و گسترده جامعه به فهم و شناخت درست دین و عرصه عمل و کارکردهای آن توجه شود، و رابعاً اگر به تلاش تخریبی و گمراه کننده دو جبهه افراط و تفریط، به تقصیر یا از قصور، در حوزه دین شناسی و تحلیل منابع و تفسیر مخصوص شریعت، توجه شود، و خامساً اگر به کم کاری، نسنجیده گری و یا جزئی نگری محافل مسؤل در ارائه چهره ناب و بی آلا-یش دین (و در اینجا مشخصاً در چارچوب قرائتی که حضرت امام از آن دارند) و زدودن سلیقه ها، خرافه ها و نظریه پردازیهای التقاطی از سیمای تابناک و پاک اسلام، توجه شود، اذعان خواهیم کرد که مهمترین وجهه همت ما و لااقل یکی از مهمترین مسؤل و لیتهای ما، آن هم در سال بزرگداشت امام خمینی، شناخت دین و آموزه های شریعت از منظر نگاه امام و در چارچوب الگویی که آن بزرگوار ارائه کرده است می باشد. و پرواضح است روش اساسی و منطقی در نگرش به دین از این منظر، دستیابی به اصول و الگوهای

است که چارچوب نگرش امام به الگویی جامع در دین شناختی امام و ترسیم نگره ای کامل و سازمان یافته از پیکره سالم و کامل دین که در باور ما نظام دین نیز همچون نظام احسن آفرینش، نظام احسن در تشریح و ضابطه مندی همه چیز است حتی غرامت یک خراش؛ چنان که در تعبیر امام صادق (ع) آمده است. (۷) اینکه مبادی رویکرد امام به دین شناختی چیست و با کدام روش به تفسیر و تحلیل نصوص و منابع دینی می پردازد؟ و اینکه در هرم دین شناختی امام کدام عناصر و اجزاء در قله و کدام در دامنه و کدام در قاعده قرار می گیرند؟ و جایگاه هر یک از اجزاء کلیت دین کجاست؟ و ملاک وحدت و انسجام و ارتباط منطقی میان اجزاء چیست؟ و پرسشهای بسیاری از این دست، طبیعی است که در موضوع مهم و حیاتی دین شناختی از منظر اندیشه و نگاه امام مطرح می شود و باید الگوهای دین شناختی در حوزه شخصیت زنان و مسایل آنان می باشد. اما پیش از پرداختن به بحثهای مورد نظر، ناگزیریم چند نکته توضیحی را بازگو کنیم.

یکم:

چنان که اشاره شد به نظر می رسد عمده ترین و بلکه راهگشاترین کار در شناخت و شناساندن اندیشه های امام در زمینه های مختلف، ارائه اصول و الگوهای است که از یک سو تصویری روشن و جامع و حتی الامکان سازمان یافته از اندیشه امام و نگاه تفسیری ایشان از دین را در آن زمینه ارائه دهد و به دور از جزئی نگری نگرش

تبعیض آمیز به اندیشه‌ها و مواضع آن بزرگوار باشد، و از سوی دیگر بتواند ملاکی برای عمل و هرچه کاربردی تر شدن آن، و معیاری برای ارزیابی دیدگاه‌ها و عملکردها باشد. این است که در این مقاله تلاش شده است الگوها و معیارهایی برای نگرش به جایگاه انسانی اجتماعی بانوان و مسایل آنان بر اساس اندیشه و نظر امام و مستند سازی اجمالی آنها، ارائه شود.

دوم:

نیز چنان که اشاره شد، وقتی الگوهای ارائه شده برای ما می‌تواند به عنوان الگوهای دین شناختی مورد استناد و استفاده قرار گیرد که به شخصیت حضرت امام و جایگاهی که از آن موضع، سخن می‌گویند، و دین را تفسیر می‌کنند و شرح و بسط می‌دهند، کاملاً توجه شود بسیاری انسانها به تجزیه و تحلیل مسایل دینی می‌نشینند، از زبان اسلام سخن می‌گویند، به نظریه پردازی و تفسیر شریعت می‌پردازند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نسبت نظریه پردازی در دین و سخن گفتن از شریعت و کتاب نویسی و پژوهشگری در حوزه مسایل دینی، بیش از سایر علوم و موضوعات است.

اما پرواضح است که نسبت و قرابت اینها به حقیقت دین و واقعیت شریعت همه در یک سطح نیست، همه در یک مرتبه حجیت و قوتی که مایه آرامش وجدان دینی و پای بندیهای شرعی باشد نیست و چنین انتظاری نیز نمی‌رود شخصیت‌های علمی و اندیشمندان و صاحب نظرانی که سخن و نظر آنان در حوزه احکام دینی، حجت باشد و در حوزه عقیده و باورهای دینی مایه آرامش و تحکیم

پیوندهای اعتقادی مؤمنان باشد، طیف وسیعی را شامل نمی‌شود و باید گفت در هر دوره گروهی محدود می‌باشند و طبیعی است در این گروه نیز کسانی که اندیشه و نظر آنان مبنای عمل جامعه باشد، انگشت شمار خواهند بود.

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، از زبان دین و شریعت، راه می‌نمایند و به تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی می‌پردازند، در جایگاه کسی سخن می‌گویند که فقط بخشی از ویژگی‌های وی اینهاست: فقیه چیره دست، فیلسوف، مفسر، صاحب نظر در اخلاق و عرفان نظری، عارف وارسته، و مرجع تقلید با همه لوازم و شرایطی که این اوصاف دارد.

سخن ایشان، سخن یک نویسنده سخنران، یا متفکر صرف یا نظریه پرداز محض یا یک منتقد و مصلح اجتماعی صرف نیست.

انسانی در این جایگاه نمی‌تواند و نباید سخن به مبالغه گوید یا به انگیزه جاذبه‌های تبلیغاتی و رضایت خاطر این شخص یا آن گروه و در خوشایند مریدان، اظهار نظر کند. اگر اضافه شود امتیازها و ویژگی‌های انسانی که علاوه بر اوصاف مذکور در جایگاه رهبری یک انقلاب و سپس نظام به تبیین دین و آموزه‌های شریعت مقدس می‌پردازد. آن وقت به اهمیت اندیشه و نگاه امام و قرابت آن با حقیقت دین بیشتر اذعان خواهیم داشت.

این است که براحتی پای این ادعا می‌ایستیم که ما از حضرت امام خمینی کسی را نزدیکتر و آشناتر به شناخت اسلام و راه و رسم اولیای عظیم‌الشان آن (صلوات الله علیهم) سراغ نداریم.

سوم:

موضوع

این نوشته همان گونه که از عنوان آن پیداست ارائه آن دسته از الگوها و معیارهایی است که در نگرش به دین از منظر نگاه امام در حوزه مسایل زنان به دست می آید و می تواند مبنای داوری ما در دیدگاه امام نسبت به این دست مسایل قرار گیرد. نکته لازم به ذکر این است که آنچه در اینجا به عنوان اصول نگرش حضرت امام ارائه شده است تنها سرفصلهای عمده در این مبحث است و بنای بر استقرای کامل و ارائه جامع همه آنچه می تواند به عنوان یک اصل و معیار در این زمینه به شمار رود نبوده است .

آن کار که تلاشی مفید و راهگشا نیز خواهد بود نیازمند فرصتی بیشتر و مجالی متناسب با خود است که اینک از حوصله بحث بیرون است . همین مقدار نیز بحث را به درازا کشانده است . لذا از محورهایی چون تفاوت‌های حقوقی ، اسلام دین زندگی ، مسؤ ولت برابر رشد، توسعه و تحدید بر اساس مصلحت که برای این نوشته پیش بینی و مطالعه شده بود صرف نظر شد. شاید در فرصتی دیگر به آنها نیز پردازیم . ان شاء الله . در این فرصت فقط به دوازده محور پرداخته شده است .

چه اینکه شرح و بسط و مستند سازی همین الگوها نیز به مجالی بیشتر نیازمند است ، بویژه کار مستند سازی این اصول و الگوها از نقطه نظر منابع دینی و ارایه و نصوص قرآنی و حدیثی که در اینجا به ذکر نمونه هایی محدود بسنده شده است ؛ در حالی که می دانیم نوعا پشتوانه دید گاههای حضرت امام

بویژه آنگاه که به عنوان اصول و در سطحی کلی تر بیان شده است ، حجم وسیعی از ادله دینی و شواهد قرآنی و حدیثی است و پژوهشگرانی که به مستند سازی مواضع و دیدگاههای آن عالم فرزانه می پردازند نوعا حجم زیادی منابع و ادله در اختیار دارند که در تحقیقات خود می توانند از آن بهره برند. البته از انسان وارسته و پر استعدادی که حدود ۸۰ سال از عمر شریف خویش را در شناخت اسلام و درک حقایق آن و دانش شهودی همراه با تعهد و تعمد کامل به موازین و آموزه های دین پرداخته است و آن همه مشغول توفیق و عنایت الهی قرار گرفته است نیز چیزی جز این انتظار نمی رود که قلم و قدم او و بیان و حرکت او، ترجمان حقایق دینی و احکام شریعت مقدس باشد.

چهارم :

الگوهای ارائه شده به سلیقه نویسنده در سه بخش آمده است ؛ یکی حوزه کلام و انسان شناسی ، دیگری خانواده و تربیت و سومی جامعه و فرهنگ ، این تقسیم بندی هر چند بر اساس همخوانی نسبی میان مباحث هر بخش صورت گرفته و مناسب دانسته شده است ولی امری ناگزیر نیست و می تواند به گونه یا گونه های دیگر تقسیم شود؛ هدف ، دسته بندی مطالب و توجه دادن به نوع گرایش سرفصلها و عناوین مورد بحث بوده است و نه بیشتر.

آرزو و حتی گمان نویسنده این است که این مجموعه بتواند چارچوبی از نگاه و اندیشه حضرت امام خمینی در حوزه مسایل زنان را ارائه دهد و ملاکهایی را برای تبیین موضوعات جزئی تر و نیز

ارزیابی عملکرد اجتماعی و روند جامعه انقلابی ما در این خصوص پیش روی نهد و در این دست مسایل خط امام را هر چند به اجمال ترسیم کند. ان شاء الله .

بخش اول : انسان شناسی و کلام

یکم : انسانیت ، عنصر مساوی و مشترک

یکی از الگوهای اساسی در دین شناختی مسایل زنان ، که می توان با نگرشی کلامی از آن سخن گفت این اصل است که زن و مرد در حقیقت انسانی و آنچه وجه تمایز میان این حقیقت با سایر انواع می باشد، هیچ تفاوتی ندارند. هر دو از یک حقیقت مشترک سرچشمه گرفته و از یک حقیقت برخوردارند و آن همان است که این موجود دارای حیات را از دیگر جانداران جدا می سازد و حقیقت وجودی وی قائم و بسته به آن است . حقیقتی که در اشاره به آن از تعابیری چون من ، تو، او، خود، خویشتن و نفس به صورت مطلق بهره می بریم و همان که محور تعلق تکالیف و حقوق قرار می گیرد. آنچه آدمی را از دیگر انواع جاندار متمایز می سازد حقیقت انسانی او است و آنچه در مرحله تکلیف و مسؤ ولیت ، مخاطب قرار می گیرد همان حقیقت است . به عبارت دیگر همان حقیقتی که آدمی را در مرحله تکوین و شکل گیری حقیقت وجودی وی ، اساس هستی او و مایه تمایز او است ، همان حقیقت در مرحله تشریح و مسؤ ولیت دهی و پاسخگویی نیز ملاک و مخاطب قرار می گیرد و تکلیف متوجه او می شود و اعضا و جوارح تنها ابزاری برای عمل به تکلیف هستند. قرآن کریم در هر دو مرحله ، به صراحت تفاوت

میان زن و مرد را نفی می کند؛ هم آنگاه که از جایگاه انسانی زن و مرد در مرحله شکل گیری حقیقت وجودی آن دو سخن می گوید، منشاءیی مشترک و حقیقتی یکسان را یادآور می شود و هم در مرحله اصل تکلیف و عمل، آن دو را به عنوان عنصر انسانی مخاطب می سازد و در مقام ارزشگذاری و پاداش عمل یکسان می نگرد. قرآن کریم هر دو نکته را در این آیه جمع کرده است :

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل التعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم . (۸)

بخش نخست آیه اشاره به خاستگاه اولیه آدمیان دارد که همه از یک نر و ماده آفریده شده اند و بخش نهائی آن ملاک ارزشگذاری و برتری آدمیان علی رغم داشتن حقیقت مشترک را بیان می کند. ملاکی که کاملا در اختیار و به اراده خود آنان است؛ یعنی عمل، اگر تفاوتی هست نه به خاستگاه و حقیقت مشترک آن دو بلکه به واقعیات و ارزشهایی برمی گردد که با کمال اختیار و خواست خویش به آن جامه وجود می پوشند. قرآن کریم در جای دیگر، پس از آنکه نحوه نگرش خردمندان به آفرینش آسمانها و دستاورد نگرش اندیشمندان آنان همراه با خضوع و کرنش در مقابل حضرت حق و اندیشناکی آنان از عمل خود که موجب نگرانی ایشان نسبت به آینده است و در نتیجه پناه جستن به ذیل رحمت و غفران الهی را بازگو می کند، پاسخ خداوند را این گونه بیان می فرماید :

فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل عامل منکم

من ذکراء و انثی بعضکم من بعض ؛ (۹)

خدایشان خواسته آنان را اجابت کرد که من عمل هیچ عمل کننده از شما را، مرد باشد یا زن ، ضایع و تباه نخواهم ساخت ، همه از هم هستید.

این همان حقیقت و اصل است که حضرت امام خمینی بر آن تاءکید دارد. آنجا که می فرماید :

تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا (ص) به این مولود شریف (حضرت فاطمه (ع)) است تا نشان دهد که زن ، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست . (۱۰)

قرآن کریم نه تنها بر یکسانی میان زن و مرد در حقیقت انسانی تاءکید دارد بلکه اساسا آن را یکی از نشانه ها و آیات الهی همچون آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش اصل آدمی و تفاوت زبانها و رنگهای آدمیان می شمارد و در ردیف برشماری آیات الهی به یکسانی میان زن و مرد از نقطه نظر انسانیت و حقیقت وجودی ، اشاره می کند و همین همسانی را مایه سکوت و انس و الفت می شمارد و اگر جز این بود چگونه می توانست دستمایه سکونت و آرامش غریزی آدمیان باشد :

و من آیاته اءن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ، ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون . (۱۱)

تعبیر من انفسکم یعنی آفرینش از حقیقت و جنس خودتان ، هم از آیات الهی است ، هم مایه سکونت آدمی است ، و هم دستمایه اندیشه ورزی اندیشمندان به همان سان که آفرینش آسمانها و زمین مایه و زمینه

اندیشه آنان و دستیابی به ایمان برتر و حقایق بیشتر است ، یکسانی و همسانی زن و مرد نیز چنین دستمایه ای را برای اندیشه ورزی آنان فراهم ساخته است .

حضرت امام در تاءکید بر همین حقیقت در جای دیگر می فرماید :

از (نظر) حقوق انسانی ، تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد، بله در بعضی از موارد تفاوتهایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد. (۱۲)

بنابراین هر آنچه که در تعارض با این حقیقت مسلم قرآنی و اسلامی باشد حتی اگر در منابع دینی یا تاریخی جای گرفته است نمی تواند مورد قبول باشد. وقتی آیات متعددی که فقط بخشی از آن در اینجا آمد، زن و مرد را در حقیقت و هویت انسانی یکسان می شمارد و خاستگاه آن را یک زن و یک مرد به یکسان معرفی می کند، دیگر زن را نمی توان فقط به عنوان یک حامل و ظرف وانمود کرد چنان که برخی گفتند : و انما امهات الناس اوعیه ؛ مادران ظرفهایی بیش نیستند! و یا آن دیگری که در تعریضی سیاسی گفت :

بنونا بنو اینائنا و بناتنا بنوهن ابناء الرجال الابعاد ؛

فرزندان ما فقط فرزندان پسران ما هستند، اما فرزندان دختر ما فرزندان مردان بیگانه اند!

چه اینکه پذیرفته نیست در مقام تحقیر شخصیت انسانی زن و کاستن از وزن حقیقت و هویت وجودی وی ، او را طفیلی و زائده ای از گل وجودی حضرت آدم (ع) بشماریم . حتی اگر در ظاهر

برخی متون دینی آمده باشد. و از همین روی است که می خوانیم امام صادق (ع) وقتی با چنین گفته ای و باید گفت با چنین خرافه ای مواجه می شود به شدت برخورد می کند. ملاحظه فرمایید این روایت را که زراعه ، آن محدث و عالم فرزانه ، نقل می کند :

سئل ابو عبدالله (ع) عن خلق حواء و قيل له : ان اناسا عندنا يقولون : ان الله عزوجل خلق حواء من ضلع آدم الايسر الاقصى ، فقال : سبحان الله و تعالی عن ذلك علوا كبيرا! اء يقول من يقول هذا : ان الله تبارك و تعالی لم يكن له من القدره ما يخلق لآدم زوجه من غير ضلعه؟! و يجعل للمتكلم من اهل التشنيع سيلا الى الكلام اءن يقول ؛ ان آدم كان ينكح بعضه بعضا اذا كانت من ضلعه ! ما لهؤلاء؟! حکم الله بيننا و بينکم ... (۱۳)

کسی از امام صادق (ع) درباره آفرینش حوا پرسش کرد و گفت : ما دسته ای مردم را داریم که می گویند : خدای عزوجل ، حوا را از آخرین دنده چپ آدم آفرید، امام (ع) فرمود خداوند از این سخن براستی که منزّه و برتر است آیا کسی که این حرف را می زند، معتقد است که خدای تبارک و تعالی توان نداشت که برای آدم همسری را از غیر دنده او بیافریند؟ و راه را برای سرزنش گران باز می کند تا بگویند : آدم اگر همسرش از دنده او بوده است پس خودش با خودش آمیزش می کرده است؟! این

گویندگان را چه شده است؟! خدا میان ما و آنان داوری کند...

دوم: خوشبختی، فراراه همه

از بدیهی ترین الگوهای دین شناختی، در باورهای دینی، یکسانی زن و مرد در دستیابی به هدایتی است که در منطق دین مایه خوشبختی واقعی است. راه سعادت به روی همه گشوده است. کالای خوشبختی در بازار ایمان و عمل، در معرض گزینش و خرید همگان است، بی هیچ تفاوتی میان مرد و زن. قرآن و اساسا دین، مایه هدایت انسان است و انسان است که مخاطب آیه های هدایت و سعادت است و جنسیت از عوارض بیرونی و خارج از مقام تکلیف به هدایت و تشویق به کسب سعادت است. قرآن خود را هدی للناس می شمارد. چه اینکه خود را هدی للمتقین می داند و تقوا پیشگی را در انحصار هیچ کس نمی داند. آدمی، بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد، مکلف به هدایت است. آدمی در طریق هدایت، راهی جز تقوا ندارد و مگر هدایت جز تقوا و خداباوری و خداترسی و خداخواهی چیز دیگری است. آدمی، چه زن و چه مرد، می تواند آرزومند سعادت جاودانه باشد. این راهی است که او برمی گزیند:

انا هدیناه السبیل، اما شاکرا و اما کفورا. (۱۴)

و این، چنان که اشاره شد، از قطعی ترین و بدیهی ترین آموزه های دینی و عقلی است جز این در نظام آفرینش که آفریدگان آن آدمی را از سر حکمت، و با اختیار و اراده عمل و نمایاندن راه و بشارت و انذار آفریده است

، نمی تواند باشد.

یکی از تعبیرهای زیبای قرآن درباره سعادت حقیقی که ادیان الهی همه به آن سو فر خوانده اند حیاه طیبه است؛ زندگی پاکیزه چه اینکه پاداش بهشت که جزای احسن الهی است بیان دیگری از این سعادت جاودانه است. قرآن کریم در چند جا به صراحت به گونه ای تشویق آمیز و در قالب ارائه یک اصل، توجه می دهد که کسی که عمل صالح را از سر ایمان به جای آورد. چه مرد باشد چه زن، به آن حیات طیبه و به آن جزای احسن خواهد رسید و ذره ای درباره او ستم نخواهد شد. این آیات همین حقیقت تردیدناپذیر را بازگو می کند:

من عمل صالحا من ذکر او ائثی و هو مؤ من فلنحینه حیاه طیبه و لنجزینهم اءجرهم باءحسن ماكانوا یعملون . (۱۵)

و من عمل صالحا من ذکر او ائثی و هو مؤ من فاولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب . (۱۶)

و من یعمل من الصالحات من ذکر او ائثی و هو مؤ من فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا . (۱۷)

از این روی طی مراحل رشد و ارتقای به مراتب بالا-تر انسانی و دستیابی به کمالاتی که مسیری برای وصول به حیاه طیبه و جزای احسن الهی است، امری انحصاری نیست. عمل صالح عمل مردانه نیست، کما اینکه ایمان، امری مردانه نیست. به همین حقیقت و به امکان طی منازل انسانی و کمالات وجودی اشاره دارد این سخن امام که می فرماید:

برای زن ابعاد مختلفه است. چنانچه برای مرد و برای انسان، این

ورق صوری طبیعی نازل ترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است . لکن از همین مرتبه نازل حرکت به سوی کمال است . انسان موجود متحرک است . از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب ، تا فنا بر الوهیت . (۱۸)

اگر راه رشد و کمال یابی برای همه گشوده است ، قهرا جلوه های رشد و زمینه های اجتماعی آن نیز در انحصار قشری خاص نیست . هر آنچه در دستیابی به آن حیات طیب که قرآن به صراحت همه مؤمنان را به آن فرا خوانده است ، دخالت دارد مشترک میان زن و مرد است .

یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم . (۱۹)

عبادت و کرنش در مقابل خداوند از آن همه است ، دانش و هنر از آن همه است بروز و ظهور تواناییها و استعدادهای آدمی از آن همه است .

در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد . علم مال همه است تقوا مال همه است و کوشش برای رسیدن به علم و تقوا وظیفه همه ماست و همه شماست . (۲۰)

سوم : عاطفه ، نقطه عطف زندگی

در تبیین چارچوب نگرش حضرت امام به مسایل زنان ، نوع نگاه و تحلیل ایشان نسبت به موضوعی که همواره در تحلیل برخی تفاوت های حقوقی میان زن و مرد ، به عنوان یکی از ویژگی های بانوان مورد استناد قرار می گیرد قابل توجه است و می تواند به عنوان یک اصل در دین شناختی مسایل زنان و تحلیل شخصیت انسانی آنان از منظر امام مورد توجه قرار گیرد . قوت عاطفه و گستره احساسات

در بانوان که برخاسته از لطافت اولیه روح و متناسب با برخی موقعیتهای ویژه آنان است ، در مقایسه با قوت عقلانیت معاش و خطرپذیری مردان ، واقعیتی است که به صورت نوعی و اجمالاً-انکارناپذیر است و این خود نشان از حکمت بالغه الهی در تدبیر امر آفرینش و سامان یافتن معاش آدمیان و احساس نیاز متقابل و نقش پذیری تکمیلی آنان ، دارد. به عنوان مثال ، تربیت و رشد فرزند و آمادگی برای پذیرش آن همه دشواری از نقطه آغاز تا بزرگ شدن فرزند و قدم گذاشتن به جامعه دشواریهای دوران حمل و بیدارخوابیها و رسیدگی به امر تغذیه و نظافت وی به انگیزه و توان و تحملی بیش از آنچه عقل تدبیر و حسابگری خرد پدید می آورد نیاز است . تنها عشق و عاطفه است که می تواند انگیزه و توان پذیرش آن همه دشواری را ایجاد کند و از آدمی ، عنصری خستگی ناپذیر بسازد که فرهادوار کوه سختیها را با سرپنجه عشق و احساسات خود از سر راه بردارد به ندهایی برخاسته از عمق جان و فراخوانهایی از پررمز و رازترین لایه های روح انسانی خود، نیازمند است تا او را به بی هیچ چشمداشتی به استقبال سختیها و ناگواریها وا دارد.

عقلانیت تدبیر و خرد زندگی چنین نیست که برای همه آن مراحل و همه دشواریها و خطرپذیریها تمکین کند و به قول مولانا :

پای استدلال چوبین بود

پای چوبین سخت بی تمکین بود

این است که در سخن زیبایی از امام باقر (ع) به نقل فرزند بزرگوارش امام صادق (ع) این واقعیت را چنین می خوانیم :

ان

الله تبارک و تعالی جعل للمراءه صبر عشره رجال ، فاذا حملت زادها قوه عشره رجال اخري ؛ (۲۱)

خدای تبارک و تعالی به زن صبر و تحمل ده مرد داده است ؛ و زمانی که باردار می شود، خداوند نیروی ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد.

پرواضح است که وجه روشن این توان ، زور بازو و قدرت ماهیچه های بدن او نیست بلکه همان لایه های زیرین روح و عمق جان او است که او را قوت می بخشد و در مقابل سختیها مقاوم می سازد. این مصداقی از همان حقیقت است که حضرت امام صادق (ع) در سخن راهگشا و تامل برانگیز دیگری بیان فرموده است :

ما ضعف بدن عما قویت علیه النیه ؛ (۲۲)

هیچ تنی ، نسبت به آنچه که نیتی استوار و اراده ای قوی برای آن وجود داشته باشد، دچار ضعف و ناتوانی نمی شود.

آنچه مکمل خرد حسابگر مرد در راه بردن و تمشیت امر زندگی است و موجب می شود زن در برخی صحنه ها که از توان و انگیزه مرد بیرون است به ایفای نقش پردازد همان لایه زیرین روح و عاطفه عمیق وی است که نقطه عطف زندگی در بسیاری صحنه ها و مراحل است . و در واقع صحنه گردان این نقشها چیزی جز همان سرپنجه قوی و استوار و نستوه عاطفه زن نیست ؛ همان که در رهنمود امام صادق (ع) قوت آن تا بیست برابر مرد شمرده شده است . و در سخن امام ، چنان که خواهد آمد، دارای تحملی چون عرش معرفی گشته است .

همین ویژگی روحی ،

وقتی در صحنه جامعه ، در قالب صحیح خود به ایفای نقش می پردازد، جلوه هایی از آیت الهی و حکمت ربانی را، هم در صحنه و هم در صحنه گردانی ، نشان می دهد، بارها حضرت امام از نقش صحنه گردانی بانوان در میدان مبارزه تا پیروزی سخن گفته اند که نمونه هائی را بازگو کردیم ، آنچه زمینه ای شد که در نگاه امام از منظر عاطفه به عنوان نقطه عطف زندگی ، به شخصیت زن و دین شناختی مسایل آنان پردازیم ، سخنی دیگر از آن بزرگوار است که جلوه دیگری از ایفای نقش عاطفه بانوان در صحنه است ، و براستی چه کسی را سراغ داریم که وقتی از قوت عواطف و احساسات بانوان سخن می گوید در این سطح و به عنوان یک نقطه قوت و یک محور امتیاز، به تحلیل و تفسیر آن پردازد؛ عاطفه ای که در خدمت جنگ و جهاد مقدس قرار می گیرد و ره توشه مجاهدانی می شود که در پشت جبهه و در واقع ، در پشت صحنه ، دستهای عاطفه و ایمان بانوانی را می بیند که نقش جهاد و پیروزی و شهادت را در دل آنان رقم می زنند :

عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست و لهذا آن چیزی که در پشت جبهه از روی عواطف از بانوان صادر می شود بیشتر و بالاتر و ارزنده تر است از آن چیزی که از مردها صادر می شود به موجب عواطفی که بانوان دارند آنها برای جبهه کارهای بسیار مفید انجام داده اند و انجام

می دهند و از همه مهمتر اینکه بانوان بعد از انقلاب با تمام کوشش و حفظ عفت و حفظ جهات اسلامی ، همقدم بلکه پیشقدم در امور کشور بوده اند. (۲۳)

بخش دوم : خانواده تربیت

چهارم : زنان ، زیربنای فضیلت‌های انسانی

در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه ، تردیدی نیست بانوان نقشی تعیین کننده و بی بدیل دارند، به روشنی پیداست که این نقش نمی تواند امری تشریفاتی و یا حتی قراردادی باشد. دست حق در نظام زیبا و حکیمانه آفرینش ، زن را در چنین جایگاه و طبعاً در چنین مسؤ ولیتی قرار داده است . جایگاهی که هیچ قانون و قراری نمی تواند کلیت آن را نادیده بگیرد و هیچ شانه ای نمی تواند به جز خود وی ، این مسؤ ولیت را بر خود نهد. این است که از آن به نقش بی بدیل یاد می کنیم . و این چنین است که سخن امام در این باب که بارها نیز بر آن تاءکید ورزیده اند، بیانی از یک واقعیت تکوینی در نظام احسن وجود و آفرینش آدمی و مناسبات انسانی اجتماعی آدمیان است و ترجمه ای است از آنچه در منابع دینی و نظام تشریح در شریعت مقدس آمده است . اگر خدای تبارک و تعالی با صفت رب پرورش دهنده و رشد دهنده جهان و جهانیان است ، زن نیز در نظام الهی چه نظام تکوین و هستی و چه دستگاه تشریح و بایستی ، مظهری از همین وصف و نام می باشد.

در سخن کوتاه اما پر بار و آسمانی حضرت صادق (ع) آمده است :

اکثر الخیر فی النساء؛ (۲۴)

بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است .

جلوه ای

از این کلام آسمانی در سخنان امام این گونه آمده است :

زن مربی جامعه است . از دامن زن انسانها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح ، از دامن زن است . مربی انسانها زن است . سعادت و شقاوت کشورها بسته با وجود زن است ، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبداء همه سعادتها از دامن زن بلند می شود زن مبداء همه سعادتها باید باشد. (۲۵)

همین حقیقت را حضرت امام در جای دیگر با تعبیر عنصر تابناکی که زیربنای فضیلت‌های انسانی و ارزشهای والای خلیفه الله در جهان است (۲۶) بازگو می کنند و برخاسته از همین حقیقت است که پیامبر اکرم (ص) دختران را بهترین فرزندان آدمی می شمارند :

خیر اولادکم البنات . (۲۷)

حضرت امام ، با اشراف عمیق و همه سویه ای که بر شریعت مقدسه از یک سو، و مناسبات اجتماعی تربیتی جامعه دارند، یکی از محوری ترین آموزه های خویش را در باب مسایل زنان و جایگاه خانوادگی و اجتماعی آنان همین موقعیت اساسی و زیربنای برای آنان می شمارند و سخت بر آن تاءکید می ورزند. جالب است که در اشاره به اهمیت این جایگاه ، آن را با مقام تربیتی قرآن قرینه سازی می کنند؛ هم قرآن را انسان ساز می شمارند و هم بانوان را :

قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز، اگر زنان شجاع و انسان ساز از ملتها گرفته شوند، ملتها به شکست و انحطاط کشیده می شوند. (۲۸)

از این رو، به آن

دسته از گفته هایی که زنان را سرچشمه هر فساد و آلودگی و گناه و در یک کلمه منشاء شر و تیره بختی آدمیان معرفی می کنند حتی اگر در میان برخی منابع دینی باشد، باید کاملاً به دیده تردید نگریست و حداقل در برابر ظواهر آن متون ، باید ایستادگی کرد و به گونه ای از آنها بهره جست که در تعارض آشکار با مبانی قطعی قرآنی و دینی نباشد. فضیل که از یاران امام صادق (ع) است سخنی از مردم جامعه خود را که اینک نیز در فرهنگ ما بی رونق نیست! برای آن حضرت (ع) باز گفت .

سخن این بود که مردم می گویند : در قیامت بیشتر دوزخیان ، زنان هستند! امام (ع) در رد این گفته به پاسخی نقضی و قابل فهم برای همه اکتفا کردند و فرمودند : این چه بیجایی است؟! در حالی که گاه یک مرد در آخرت ، با هزار نفر از زنان دنیا در کاخی از در یکپارچه ازدواج می کند!

قلت له : شیء یقولہ الناس : ان اکثر اهل النار یوم القیامہ النساء. قال : وانی ذلک و قد یتزوج الرجل فی الاخره الفا من نساء الدنیا فی قصر من دره واحده؟! (۲۹)

پنجم : انسان ، نیازمند الگو

در دین شناختی شخصیت و مسایل زنان ، یک امر حیاتی ، مسأله الگو سازی و الگو دهی است . برای کمتر کسی تردیدی در نقش تربیتی و سازندگی الگوها در زندگی آدمی وجود دارد. اگر هیچ تحلیل روانشناختی و دلیل علمی بر نقش اساسی الگوها در شکل گیری شخصیت فرد و

نحوه سلوک او و نیاز همه جانبه ای که به الگوها دارد، وجود نداشته باشد جز همان تجربه گسترده ای که هر فرد در زندگی شخصی در این خصوص دارد و احساس نیاز به الگو و تاءثیر آن را عملاً- و از درون در خود یافته و می یابد، در ضرورت اهتمام به این مهم کفایت می کند، بویژه برای کسانی که احساسات و عواطف قوی و پرتاءثیر آنان احساس الگوخواهی و زمینه تاءثیرپذیری از الگوها را در آنان دوچندان می سازد، آدمی همواره یک نگاه او به واقعیت موجود خود است و نگاه دیگرش به نقطه ای است که خود را شایسته وصول به آن می داند یا لاقلاً آرزوی دستیابی به آن را دارد. یک چشم به کاستیها و استعدادهای کنونی و یک چشم به آرمانها، اهداف و وضعیت مطلوبی که برای خویش ترسیم می کند دارد. هر کس می کوشد فاصله میان واقعیت موجود و حقیقت مطلوب را به حداقل برساند و این اصلی است مشترک میان آدمیان و تردیدی در آن نیست. نیک می دانیم که آنچه میان آدمیان متفاوت است واقعیتهای متفاوت موجود و آرمانها و واقعیتهای بسیار متفاوت مطلوب است. هر کسی شخصیت و واقعیت وجود خویش را در آئینه آینده به گونه ای می بیند و یا می طلبد و یا لاقلاً آرزو می کند، حتی اگر آرزویی دست نیافتنی باشد. خوشبختی، همان حقیقت مطلوب، واژه ای نیست که همه یک معنا و یک تفسیر از آن داشته باشند، تلاش عمده پیامبران الهی (ع) و سرآمد همه آنان، پیامبر خاتم (ص)

و اولیاء اسلام (ع) آشنا ساختن آدمیان با چهره واقعی خوشبختی یعنی همان حقیقت مطلوب است که کمال طلبی هر کس آن را فریاد می کند و در پی آن می باشد، آدمیان تفاوتشان در شکل دادن به شخصیت خود و نحوه سلوک و حیات، در تفسیری که از این واژه محبوب ارائه می دهند و در مسیری که برای وصول به آن ترسیم می کنند و در عواملی که در این مسیر که گاه به درازای یک عمر است یار راه می شمارند و در سطح و عمق آگاهی آنان به آنچه در پی آنند می باشد. در اینها نیز تردیدی نیست. آنچه اینک در پی تاءکید برآنیم این است که آدمی همه، هر کس به فراخور و به مقتضای جهان بینی، باورها، و تحلیل و تفسیری که به اجمال یا به تفصیل از خوشبختی و حقیقت مطلوب خویش دارد، در نقطه ای از آینده زندگی خود که لزوما عنصر زمان در آن دخالت ندارد و در واقع در نقطه ای دیگر از شخصیت و حیات انسانی خود، نمونه یا نمونه هایی را در پیش چشم آینده نگر خود نصب می کند و آن را مرکز ثقل همت و تلاش خود قرار می دهد. نمونه هایی که از آن به عنوان الگو یاد می کنیم. الگوهایی که در شخصیت خویش و در شکل گیری کمالات انسانی خود، دستیابی به آن را هر چند نسبی، امری شدنی می داند یا آرزوی آن را در سر می پروراند. الگویی که می تواند جامع خواستهای آرمانی و مطلوب

شخص باشد یا مجموعه ای از الگوها که در ترکیب خود، چهره ای از الگوی مطلوب شخص را ترسیم می کند. اینجاست که نقش الگو و میزان تأثیر گذاری آن در شکل گیری و سلوک آدمی نمایان می شود. تلاش وی در هر چه بهتر شناختن الگو و پی بردن به راز و رمزهای موفقیت الگو و کوشش برای کنار زدن موانع و هماهنگ سازی و تطبیق خود با او و حتی و لااقل آرزوی پیشی گرفتن از او، آغاز می شود، آغازی که پایان ندارد، آغازی که در مسیر تا انتها و حتی پس از پشت سر گذاشتن الگو ادامه می یابد. الگوها به فراخور جاذبه ای که در شخص ایجاد می کنند نه فقط دستمایه نحوه شکل گیری شخصیت آدمی می شوند بلکه مایه ای برای تشخیص اجتماعی و میزانی برای نمود بیرونی وی و معرفی او می گردند. بس است که شخص برای معرفی خود، الگوهای شناخته شده خود را بازگو کند. و این خود زمینه ای برای افتخار خوانیها و عاملی برای خط کشیهای اجتماعی و تمایز شخصیتی آحاد جامعه در میان خود و جوامع در سطح جهانی خواهد بود. و این قاعده ای است نه برای فرد بلکه برای هر جامعه ای که در هیئت یک فرد یا یک هویت جمعی ظاهر می شود و از دیگر جوامع متمایز می گردد.

و نیک می دانیم آنچه نقطه مشترک و نخست در بحث الگو خواهی و الگو سازی است ، اصل این نیاز و اصل تأثیر بخشی و اصل فراگیری و گستره آن به پهنای همه آدمیان است ، اما نوع

الگو، خوب یا بد، مثبت یا منفی، ویرانگر یا اصلاح گر، همه و همه در مرحله بعد است و همین واقعیت است که کار مصلحان را دشوار می سازد و امر هدایت را در مسیری ناهموار می افکند و اینجاست که الگوهای کاذب رخ می نماید و جاذبه های وسوسه گروه دلفریب آن تشخیص سره از ناسره را بر بسیاری آدمیان دشوار می سازد و کار را بر مبلغان ارزشهای واقعی و تفسیر گران خوشبختی حقیقی سخت می سازد.

ادیان آسمانی، و در چهره کامل آن، قرآن کریم، این زمینه غریزی و این نیاز فطری آدمیان را فرصتی بس مغتنم دانسته و همواره در کنار رهنمودهای خویش و در جهت رسالت هدایتگری خود، نمونه های عینی و الگوهای تجربه شده بشری را در پیش چشم آنان گذاشته و در وصف آنان سخن گفته و مستقیم و غیر مستقیم آنها را در همان نقطه هایی نصب العین آدمیان قرار داده که در دعوت خویش، بشر را به آن نقطه می خواند؛ مثالها و نمونه هایی از میان خود آدمیان و از جنس آنان و در شکل و شمایل آنان. نمونه هایی عینی را در حیات و ممات الگو شمرده است و از هر فرصتی برای توجه دادن به آنان استفاده کرده است. تا آنجا که برای نگاه به چهره آنان و حتی برای نگاه به در خانه آنان ارزش قایل شده و در ادبیات دین، برای آن ثواب برشمرده است

یکی از الگوهای دین شناختی درباره بانوان و مسایل آنان، در نگاه حضرت امام خمینی بویژه با توجه به

قوت و گستره عواطف آنان، که طبعاً استعداد بیشتری در جذب به الگوها را پدید می آورد موضوع مهم و حیاتی الگوتلبی و الگوسازی و نقش شگرفت آن در شکل گیری شخصیت بانوان می باشد. و این در واقع تاءکید بر رویه روشن قرآن و متون دینی است که بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته است. آیات متعددی در قالبهای مختلف به این سنت الهی در هدایت بشر تکیه کرده و بارها نمونه های عملی و عینی از تاریخ و واقعیات هستی را با عنوان ضرب المثل بازگو نموده و به این شیوه نیز توجه داده است. گاه از شیوه خود این گونه یاد می کند:

و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون (۳۰)

برای مردم در این قرآن، در هر زمینه ای نمونه و مثل آوردیم تا شاید یاد کنند و بپذیرند.

و گاه برای پیامبر (ص) مثالی را بازگو می کند تا برای مردم بیان کند. (۳۱)

گاه مثالها را به صورت عام و برای همه بازگو می کند و گاه نیز به الگوسازی و معرفی نمونه، چه نیک و چه بد، از جمع زنان می پردازد. در دو آیه، پشت سر هم نخست، دو نمونه از زنان زشت کردار را که اتفاقاً هر دو نیز در خانه وحی و در کنار پیامبری الهی بودند مثال می آورد؛ زن نوح و زن لوط، آن دو با اینکه به تعبیر آیه در عقد همسری و در اختیار دو نفر از بندگان صالح الهی بودند، اما این فرصت و موقعیت، نتوانست زمینه ای

برای رشد ارزشهای انسانی و ارتقای معنوی آنان گردد. دست به خیانت زدند و نتیجه این شد که همراه دیگر دوزخیان راهی آتش شدند، سپس برای مؤمنان، آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران را به عنوان نمونه و الگو معرفی می کند که اولی علی رغم حضور در دستگاہ فرعون به موسی (ع) ایمان آورد و بهشت را و نجات از فرعون و رفتار او را طلب کرد و دیگری، آن بانوی عبادت پیشه ای که خود نگهدار بود و عیسی (ع) را مادری کرد.

ضرب الله مثلا- للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنیا عنهما من الله شیئا و قیل ادخلا- النار مع الداخلین و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین . (۳۲)

حضرت امام می فرماید :

ما باید سرمشق از این خاندان (خاندان پیامبر (ص)) بگیریم ؛ بانوان ما از بانوانشان و مردان از مردانشان بلکه همه از همه آنها. (۳۳)

و در جای دیگر تاء کید می فرماید :

الگو حضرت زهرا سلام الله علیها است . الگو پیغمبر اسلام است . (۳۴)

معرفی صحیح و جامع الگوها

آنچه گفته شد تاء کیدی مجدد بر نکاتی است که برای همه روشن است و جای تردید نیست و حضرت امام نیز بر همین اصل تاء کید دارند، آنچه نکته اساسی سخن می باشد،

تفسیر درست و تحلیل جامع از الگوهای عینی است که اسلام ارائه کرده است . مهم ، پرهیز از یکسویه نگری و تلاش برای شناختن کامل و شناساندن درست به جامعه است .

مهم این است که اولاً بتوانیم شخصیتهایی را که بحق به عنوان الگوهای جامع و اطمینان بخش و حتی متصل به وحی به جامعه معرفی می کنیم ، شاخصهای اسوه بودن در قالب ادبیات و فرهنگ قابل فهم و قابل عمل و تاءسی ارائه دهیم و این جز به مدد شناخت درست تاریخ و زمان ، و توان تفکیک میان محتوا و قالب شخصیت و سلوک انسان اسوه امکان نخواهد داشت به عنوان مثالی روشن و ساده همه می خوانیم که صدیقه کبرا (س) در خانه با آسیای سنگی دستی ، آرد تهیه می کرده است . محتوای اصلی قابل تاءسی این عمل چیزی جز ارزش خانه داری ، کمک به همسر، و تلاش برای تولید، نخواهد بود و قالب آن ، دستاسی است که حتی موجب جراحت دست آن بانوی بزرگ (س) می شود. دستاس ، خصوصیتی ندارد. در همان دوره نیز، این فرض که به شیوه ای دیگر از گندم ، آرد تهیه شود، چیزی از آن محتوا نمی کاست . آنچه زمان آن را عوض می کند قالبهایی است که ارزش محتوا را ندارد و لزوماً قابل تاءسی نیست .

نمونه دیگر سخنرانی حضرت (س) در مسجد مدینه است . بروشنی پیداست محتوای قابل تاءسی آن ، نکاتی از قبیل ضرورت دفاع از حق ، پیشگیری از ستم ، شناساندن حقایق و معارف ، رسوا ساختن عاملان ،

گمراهی، و در عین حال حفظ کرامت و عفاف و وقار زن مسلمان و نکاتی از این دست است. این محتوا می تواند در محیطی غیر مسجد باشد، در دانشگاه یا شرکت در اجتماعات مردمی و راهپیماییها، در مجامع جهانی در رسانه های گروهی، در مجالس قانون گذاری و یا پیش از خطبه های نماز جمعه باشد و از همین منظر است که میان حضور صدیقه کبرا (س) در مسجد مدینه و سخنرانی در پس پرده، با حضور آن بزرگوار به همراه علی (ع) و فرزندان در مقابل یکایک خانه های مهاجران و انصار در مدینه و تاءکید بر حقانیت علی (ع) و استمداد برای احقاق حقوق از دست رفته، تفاوتی نیست.

این اولاً، و ثانياً و مؤکداً شرط دیگر آن است که تصویری جامع و گویا بی هیچ اعمال سلیقه ای از شخصیت الگو ارائه دهیم. جزئی نگری، و معرفی تبعیض آمیز در ابعاد گوناگونی که شخصیت جامع الگو دارد، و یک یا چند بعد را تاءکید ورزیدن و ابعاد دیگر را به فراموشی سپردن، بروشنی پیداست که اگر در کوتاه مدت نیز بتواند برخی اهداف مقطعی را برآورده سازد اما در دراز مدت نمی تواند پاسخگوی نیازهای همه جانبه جامعه باشد، و حتی اگر از منظر باورهای دینی نیز شخصیت الگو، از هر نظر مورد احترام و تجلیل باشد و علقه های قلبی مردم با وی قوت داشته باشد اما راهگشایی و هدایتگری مورد انتظار را نخواهد داشت. کوتاهی در معرفی درست و جامع از شخصیت الگو است که یک

دختر مسلمان ، از سر نادانی درباره اسلامی پخش می شود که موجب کمال تأسف و تاءثر حضرت امام می گردد و به تعبیر ایشان انسان شرم دارد بازگو نماید و از نقطه نظر شرعی ، گوینده را تالیه اعدام پیش می برد. (۳۵)

و اینچنین است که حضرت امام ، به شرح ابعادی از شخصیت و سلوک حضرت فاطمه (س) به عنوان شخصیت الگو می پردازد :

اگر شما زنهای هم و زنهای ما هم همه ، کشور ما همه ، پذیرفتند که امروز روز زن است ؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن وقت و آن کمال و وضعیت را دارد، پذیرفتند که روز زن است به عهده شما مسائل بزرگی از قبیل مجاهده ، که حضرت مجاهده داشته است ، حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است ، مخاطبه داشته است با حکومتهای وقت ، محاکمه می کرده است حکومتهای وقت را شما باید اقتداء به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است یعنی روز تولد این حضرت روز زن است ، زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است و همه چیز شما باید اگر پذیرا شدید آن را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید. (۳۶)

ششم : خانواده ، نهادی محوری و اصیل

وقتی از منظر نگاه امام خمینی به دین شناختی زنان و مسایل آنان می نگریم ، اصالت نهاد خانواده به عنوان مایه سکونت و انس جویی و محبت ورزی زن و شوهر و جایگاه امن و آماده تربیت فرزندان از

یک سو، و شرافت و مقام مادری و مسؤ ولیت خطیر ولی بس پرارزش آن از سوی دیگر، جلوه ای ویژه و جایگاهی محوری دارد. عنایت و اهتمام خاصی که آن فقیه فرزانه و دین شناس بزرگ تاریخ اسلام به این نهاد بویژه مقام مادری دارد، محور خانواده مادر را بروشنی در نگاه و اندیشه هر کس که از منظر نگاه امام به این محور می نگرد، از نظر موقعیت آن و مسؤ ولت‌های ناشی از آن، به یکی از حیاتی ترین و زیر بنایی ترین نهادها و موقعیتهای بشری درمی آورد و از نظر شرافت و ارزش در قله خوبیها و سرآمد ارزشها قرار می دهد، و امام در این باب سخن بسیار دارد و در اینجا به اندکی بسنده خواهد شد.

مدینه فاضله ای که اسلام ترسیم می کند و جامعه مدنی و توسعه همه جانبه که اینک به عنوان یک آرمان جهانی برای ملت‌های مختلف و از جمله امت بزرگ اسلامی درآمده است، بدون حضور سازنده و فعال نهاد مقدس خانواده و بدون منظور ساختن همه شروط و لوازمی که شکل گیری و تحقق خانواده مطلوب برای جامعه اسلامی ایجاب می کند امکان ندارد.

خانواده به عنوان یک نهاد فراگیر اجتماعی، هسته اولیه جامعه به شمار می رود و خاستگاه موقعیت ممتاز و ویژه آن به خصوص جایگاه مادری، فقط رهنمودهای دینی نیست. افزون بر آن همه آموزه هایی که در جهت شکل گیری صحیح، تعیین مسؤ ولت‌ها، راه حل مشکلات و تحکیم پیوندهای خانوادگی، صادر شده است، منافع و ارزشهای گسترده ای که در این

نهاد هویداست ، به عنوان واقعیاتی ملموس ، برای همگان روشن است . این است که در سخنی از حضرت رضا (ع) می خوانیم که اگر درباره ازدواج حتی آیه ای نازل نشده بود و سنت و روایتی نیز وجود نداشت ، همان نیکی به خویشان و انس و الفتی که با دیگران در آن وجود دارد به اندازه ای هست که انسان عاقل و خردمند، به آن رغبت کند و انسان موفق و کاردان به سوی آن شتاب ورزد :

لو لم تكن في المناكحة آیه منزله و لا - سنه متبعه ، لكان ما جعل الله فيه من بر القريب و تاءلف البعيد، ما رغب فيه الصاقل اللبيب و سارع اليه الموفق المصيب . (۳۷)

پیشتر آوردیم که قرآن کریم خاستگاه غریزی و فطری پیوند زناشویی و تشکیل این نهاد را آفرینش زن و مرد از یک حقیقت من انفسکم و عشق و مهربانی موده و رحمه و آرامش خاطر لتسکنوا الیها می شمارد و آن را از جمله آیات الهی معرفی می کند. (۳۸) و در جای دیگر جایگاه زن و شوهر و نسبت میان آن دو را با استعاره زیبا و گویای لباس یکدیگر بودن بیان می کند. در این نهاد، مرد در موقعیتی قرار می گیرد که به بیان نبوی (ص)، پس از اصل دین ، فایده ای برتر و منفعتی بزرگتر از داشتن همسری مسلمان و سازگار و مسؤل و ولایت شناس ، نبرده است . و زن پس از اصل دین که نیاز فطری انسانها و حاکم بر همه آنهاست ، تا بالاترین مرتبه برکت و سودمندی قرار می

گیرد :

ما استفاد امرؤ مسلم فائده بعد الاسلام افضل من زوجه مسلمه ، تسره اذا نظر اليها، و تطيعه اذا امرها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله . (۳۹)

قداست این نهاد، برخاسته از جایگاه آن و عنایت ویژه ای است که خداوند بزرگ در قلم تکوین و رقم تشریح به آن داشته و دارد. بنگرید این سخن شریف پیامبر (ص) که هیچ نهادی در اسلام را در پیشگاه خداوند دوست داشتنی تر و عزیزتر از نهاد خانواده و پیوند زناشویی نمی داند :

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله تعالی و اعز من التزویج . (۴۰)

و قداست و شرافت آن از یک سو تا آنجاست که اگر مرد بدون هیچ مانعی ، با اینکه در محل خود به سر می برد، شب را در بیرون از خانه به سر برد و در جای دیگر استراحت کند، در سخن امام (ع) عین نامروتی و خلاف جوانمردی است . (۴۱)

و از سوی دیگر در سخن نبوی (ص) و رهنمود علوی (ع) برای زن به مشابه صحنه جهادی است که او جهادگر آن میدان است . (۴۲) و ارزش رساندن یک جرعه آب به همسر به جز پاداش اخروی ، از یک سال روزه داری و شب زنده داری برتر است . (۴۳)

بارها حضرت امام در تاءکید بر اینکه اسلام دین زندگی است و برای همه زوایا و جوانب زندگی برنامه و چارچوب دارد، مثال تشکیل خانواده را شاهد آورده است :

احکام شرع ، حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد. در این

نظام حقوقی ، هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است ؛ از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری ، و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل ، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی ، برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیر خوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند. (۴۴)

شرح این حقیقت بارها در کلام حضرت امام آمده است ، از جمله :

شما وقتی اسلام را ملاحظه می کنید به حسب ابعاد انسانیت او، طرح دارد، قانون دارد، از قبل از اینکه انسان به این دنیا بیاید، قبل از اینکه پدر و مادر انسان ازدواج کند، طرح دارد برای اینکه این بذر را خوب تربیت کند، طرح دارد اسلام . زن را چه جور انتخاب کنید، شوهر را چه جور انتخاب کنید، در وقتی که ازدواج می کنید چه وضع باشد، با چه آداب باشد، در وقت لقاح چه آداب باشد، در وقت حمل چه آداب باشد، مثل یک زارعی که یک تخم زراعت را می کارد و مواظبت می کند که زمین خوب باشد، آب ، آب سالم باشد، به موقع

برسد، سایر تربیتهای تربیتهای نباتی باشد که درست تربیت بشود، اسلام برای تربیت انسان از قبل ازدواج پدر و مادر شروع کرده است، زمین را یک زمین سالم مطهر می خواهد باشد، زوج را یک زوج سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکند. بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می شود و آداب رضاع و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامن مادر و تربیت در پیش پدر و تربیتهای بعدی که دنبال این می آید. (۴۵)

هفتم: شرافت مادری، ارزشی بی همتا

شأن مادری، و شرافت و مسؤ ولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه ای که در متون دینی به منزلت مادر، نقش و تاءثیر گذاری آن، و طبعاً مسؤ ولیتهای وی شده، انعکاس خاصی در بیانات حضرت امام یافته است تا آنجا که عطف و رحمت نهفته در دیدگان مادر را، بارقه رحمت و عطف رب العالمین شمرده و یک شب مادر نسبت به فرزند را از سالها عمر پدر ارزنده تر دانسته است. خداوند بزرگ، در قرآن کریم در دو مورد وقتی سفارش احسان و نیکی به پدر و مادر را یاد آور می شود به دوران دشوار بارداری مادر و تولد فرزند و شیرخوارگی آن اشاره می کند و در یک مورد آن، از انسان می خواهد که شکر گزار او و پدر و مادرش باشد. (۴۶)

و بروشنی پیداست که چرا حضرت امام، شغل مادری را شریفترین شغل می شمارند:

این مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود، بزرگترین مسؤ ولیت را دارد و شریفترین شغل را دارد، شغل بچه داری. شریفترین شغل در

عالم بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه ، این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند. (۴۷)

و اینچنین است که در سخن نبوی (ص) هیچ شیری برای فرزند بهتر از شیر مادر نیست :

لیس للصبی لبن خیر من لبن امه . (۴۸)

و ارزش دوران بارداری و شیردادن ، با مرزبانی در راه خدا برابری می کند و اگر این دوران دشوار منجر به فوت مادر شود، جایگاهی چون شهید خواهد داشت و این سخنی است که به نقل امیرالمؤمنین (ع)، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ زنی فرمود که پرسید : پس زنان را از ارزش جهاد چه بهره ای است ؟ (۴۹)

التزام به نگرشی که حضرت امام به دین و معارف اسلامی دارد و شناخت الگوهای رفتاری دینی از منظر آن بزرگوار، در گرو شناخت همه اندیشه ها و رهنمودهای امام و پایبندی به همه آموزه های ایشان است . تنها نگاهی کوتاه به بیان امام در شرح شفاءن مادری و مسؤولیت خطیر آن و رسالتی که هیچ چیز نمی تواند جایگزین آن گردد و نیز شرافت و ارزشی که این جایگاه در نگاه امام به فراخور اهمیت و نقش آن دارد، هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که مادری و مسؤولیتهای ناشی از آن ، یک محور اساسی و بدون جایگزین در حرکت جامعه اسلامی و سلامت آن می باشد و هر چقدر به دانش و آگاهی و رشد و پیشرفت جامعه افزوده گردد

باید این رکن، و طبعا لوازم و مقتضیات آن بیشتر مراعات شود. یک جامعه اسلامی و انقلابی که به تعادل رفتاری و آگاهی درست و بینش توحیدی همه جانبه دست یافته باشد همواره در سیاستگذاریها و برنامه ریزیهای خود، شائن و مسؤ ولیت و نیز شرافت و ارزش مادری را یک اصل محوری و بی بدیل می شمارد و به مقتضای آن به تنظیم مناسبات اجتماعی و سامان دادن امر جامعه و مردم و حکومت می پردازد؛ اصلی جاری در همه صحنه ها و حاکم بر همه برنامه ریزیها. زیربنای معرفتی و دینی و ارزشی این امر کاملا روشن است. همه تلاشهای فردی و اجتماعی حتی تشکیل حکومت در نگاه دین، باید در یک نقطه به هم برسند و پیوند بخورند و آن هدایت و تربیت انسان است. اسلام نیز برای ساختن انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که آن قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است (۵۰) و چه کسی شایسته تر و مؤ ثرتر از مادر برای این هدف چه اینکه اگر انسان زاده نشود، موضوعی برای هدایت وی و رسالت دین باقی نمی ماند و اینچنین است که حضرت امام در شرح این شائن و در تبیین همین نقش و مسؤ ولیت، چنان که به اشاره گذشت، در فرازی بسیار زیبا و از منظری عرفانی تربیتی به فرزند خود مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی می نویسد:

حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد یک شب مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدر

متعهد ارزنده تر است . تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب العالمین است . خدای تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران در نیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحملی چون عرش در مقابل رنجها و زحمتهای از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده ، رنجهایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند. اینکه در حدیث آمده است که بهشت زیر قدمهای مادران است (۵۱) یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. (۵۲)

و صد البته ، چنان که در کلام امام صادق (ع) آمده است ، خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن و عقیف باشد. (۵۳)

جلوه ای از این سخن جعفری (ع) را در این فراز از سخنان امام می خوانیم ؛ فرازی که استدلالی روشن و انکارناپذیر را در خود دارد و بارها حضرت امام در این باره سخن گفته اند :

شما خانمها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسؤ ولیت

تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه ای که بچه دارد دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند و در دامن مادر هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند، حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد.

لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است، این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه مہذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می کند با آن اخلاق صحیح و با آن تہذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می کند بچه وقتی در دامن مادرش هست می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه ها از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریقها مؤثرتر است، تربیت می شود. (۵۴)

بخش سوم: جامعه و فرهنگ

ہشتم: زن و مرد، نقش تکمیلی متقابل

یکی از نکات محوری در اندیشہ دین شناختی حضرت امام در حوزه مسایل زنان توجہ بہ این اصل است کہ زن و مرد همان گونه کہ در نظام آفرینش و ساختار تکوینی زندگی آدمی نقش تکمیلی متقابل دارند و در این خصوص و با توجہ بہ جایگاه و نقشی کہ ہر یک از آن دو دارند، هیچ کدام فرع بر دیگری نیستند و تفاوت در نقش

به مقتضای حکمت بالغه الهی و ضرورت آن در نظام آفرینش ، به معنای اصل بودن یکی و فرعی تلقی شدن دیگری نیست ، در نظام تشریح و تنظیم مناسبات اجتماعی و جایگاه انسانی اجتماعی هر یک از آن دو نیز، مکمل یکدیگرند و یک محور اساسی در تحلیل و تبیین تفاوت‌های قراردادی و اعتباری نیز همین نقش‌های تکمیلی است که خاستگاه آن عمدتاً تفاوت‌های ساختاری هر یک در نظام آفرینش می باشد و در واقع یک تقسیم کار طبیعی را می طلبد.

خاستگاه بخشی از نقش‌های متفاوت تکمیلی ، چنان که اشاره شد اقتضائات طبیعی هر یک از طرفین است . اما بخشی از آن نیز به عرف و عادات اجتماعی و اعتباراتی برمی گردد که فرد یا جامعه به هر دلیل آن را برای خود پذیرفته است . اینکه به عنوان مثال مادر، به صورت غریزی احساس می کند باید از کودک خود حمایت کند یا به او شیر بدهد، اعتباری و بسته به قراردادهای اجتماعی نیست ؛ با این تفاوت که در اولی با پدر مشترک است و در دومی تنهاست ، اما اینکه زن اجمالا نمی تواند بدون موافقت شوهر از خانه خارج شود یا شوهر نمی تواند بر خلاف قرار اولیه زن را از شهر محل سکونتش به جایی دیگر منتقل کند، اموری است که خود آنان در چارچوب قرارهای عام یا خاص پذیرفته اند.

بهر روی ، تردیدی نیست که موضوع نقش تکمیلی در نظام آفرینش آدمی ، و پیوندهای اجتماعی و تنظیم روابط انسانی ، از عامترین و ملموسترین موضوعات است و کسی اصولاً در صدد تردید در این واقعیت

نیست تا نیازی به تاء کید بر آن باشد. آنچه مورد تاء کید است یکی این است که در ایفای نقش تکمیلی و در قرار گرفتن هر یک از زن و مرد در این جایگاه که مکمل دیگری می باشند، یکی اصل و دیگری فرع نیست، یا هر دو اصلند یا هر دو فرع قرآن کریم به صورت عام و فراگیر همه انسانها را در خدمت یکدیگر می شمارد؛ خدمت متقابلی که زاییده نیاز متقابل است:

اهم یقسمون رحمه ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا سخريا و رحمه ربك خير مما يجمعون ؛ (۵۵)

آیا اینان رحمت پروردگارت را قسمت می کنند! ما میانشان، امکانات زندگی اشان را تقسیم کردیم و آنان را بر یکدیگر برتریهایی دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند، و رحمت پروردگارت از آنچه آنان گردهم می آورند بهتر است.

مفاد آیه شریفه تقسیم بندی جامعه به افراد با درجه و افراد بی درجه، یعنی افرادی که فقط یکدیگر را به خدمت و تسخیر می کشند و افرادی که فقط به خدمت و تسخیر دیگران درمی آیند نیست، نیاز متقابل است که تسخیر متقابل را در پی دارد. شرایع الهی نیز در صدد هدایت بشر به تنظیم روابط و مناسبات عادلانه اجتماعی و معرفی حقوق متقابل اعضای جامعه بوده اند. تبیین تکالیف و مسؤ ولیتهای متقابل اجتماعی و تقسیم وظایف در جهت ایجاد روابط عادلانه، کاری است که در حوزه مسؤ ولت انبیاء الهی بوده است. نمود روشن، عمیق و گسترده آن در شکلی سازمان یافته

همراه با حقوق و تکالیف معین ، در قالب نهاد خانواده شکل می گیرد و ایفای نقش تکمیلی هر یک از زن و مرد و سمت و سوی این رابطه تسخیر آمیز، نه فقط در سطح ایجاد زمینه های همزیستی مسالمت آمیز، بلکه پاسخگویی به ندایی است که از عمق فطرت و از نهان عواطف ، غرایز و وجود آدمی به گوش می رسد و مایه آرامش و سکونت نفس را می طلبد. (۵۶) این است که قرآن کریم در خصوص رابطه و نقش تکمیلی زن و مرد، طبعاً در چارچوب نهاد خانواده ، آن را مایه سکونت طرفین و در فضایی آکنده از مودت و مهربانی می شمارد :

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه . (۵۷)

و همین نقش را در شکلی کاملاً رسمی ، در قالب روابط همسری با این بیان که هر کدام لباس دیگری است بیان می دارد :

هن لباس لکم و انتم لباس لهن . (۵۸)

و یا آنگاه که بر این اصل الهی تاءکید می ورزد که خداوند عمل هیچ عمل کننده ای را ضایع نمی کند، چه مرد باشد چه زن ، بلافاصله با تعبیر بعضکم من بعض به همزادی زن و مرد و نقش تکمیلی آن دو، ولی با یک خاستگاه انسانی ، اشاره می کند. (۵۹)

جلوه ای از این نقش متقابل تکمیلی را در این فراز از بیانات حضرت امام به وضوح می بینیم :

خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زنهاست در مردها یک حسی است که اگر ببینند زنها بیرون آمده از خانه ها برای یک

مقصودی، اگر قوه شان یکی باشد، ده تا می شود و در مملکت ما این طور شود که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه ها بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، معذک رنج کشیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم بسیاری به تبع زنها این کار را کردند. (۶۰)

حضرت امام این واقعت را با همین مضمون در چند جای دیگر نیز بیان کرده اند اما نکته قابل توجه آن است که ایشان یک عامل اساسی در حرکت و قیام خودشان و استمرار آن را همین حضور و فداکاری بانوان می شمارند. یعنی حضور و حرکت زنان، انگیزه حرکت امام و ادامه آن. این نکته ای بود که حضرت امام در ۱۳ بهمن ۵۷، یک روز پس از بازگشت به ایران یادآور شدند:

روز سکوت نیست، روز فعالیت است؛ هر کس در هر منصبی که هست، در هر مقامی که هست نباید ساکت باشد، این فریادی که اینها می زنند، زنها را شما ببینید چه فریاد می زنند، مردها چه فریاد می زنند، اینها پشتوانه شما هستند. شکر الله سعیم اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی بر نمی داشتیم، اینها ایند که من را وادار می کنند به قدم برداشتن. (۶۱)

و اینچنین است که یک ماه پس از آن، در حالی که انقلاب روزهای نخست پیروزی را می گذارند، همه را مرهون بانوان می شمارند:

ما همگی مرهون شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم. (۶۲)

بنابراین، زن و مرد، هم در

جامعه و روابط اجتماعی ، و هم در فضای خانه و در مناسبات خانوادگی ، دو وجود مکمل یکدیگرند و نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک ، عرصه را بر دیگری تنگ می کند و به ناگزیر یکی باید حذف شود و یا کاملاً در خدمت دیگری باشد. از این رو در شناخت و تنظیم مناسبات اجتماعی و خانوادگی میان زن و مرد و معرفی وجهه انسانی اجتماعی آنان ، حضور و نقش آفرینی هر یک بدون دیگری را باید ناقص شمرد و صد البته که انسانها در موقعیتهای و شرایط متفاوت ، وظایف و حقوق متفاوت دارند و در کسب شایستگیهای ارادی چون ایمان علم ، تقوا و جهاد، کسانی برترند که شایستگی بیشتری کسب کنند، چه زن و چه مرد.

ما نهضت خودمان را مدیون زنها می دانیم . مردها به تبع زنها در خیابانها می ریختند، تشویق می کردند زنها مردان را. خودشان در صفهای جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می تواند... یک قدرت شیطانی را بکشد. (۶۳)

نهم: ارزشهای وجودی ، میزان شخصیت

یکی دیگر از الگوهای دین شناختی در حوزه مسایل بانوان ، توجه به ملاکها و معیارهای حقیقی در ارزشگذاری شخصیت و وزن انسانی و اجتماعی ، افراد است . آنچه حضرت امام ، در این خصوص یادآور شده اند جلوه ای از معیارهای روشن اسلام و تاءکید بر مفاد رهنمودهایی است که در آیات و روایات و در سیره معصومان (ع) آمده است . آنچه اساس شخصیت یک انسان را شکل می دهد فضایل و ارزشهایی است که در عمل اکتسابی خود و بر اساس اراده و تلاش

خویش به دست می آورد. عواملی چون رنگ ، زبان ، خویشاوندی ، و جنس ، تنها در شناخت آدمیان و تمایز میان آنان دخالت دارد و نه در میزان ارزشهای وجودی و شخصیتی . قرآن کریم وقتی از آفرینش آدمیان از یک مرد و زن سخن می گوید، هم ، یکسان بودن آنان در منشاء آفرینش را یادآور می شود و هم اینکه این منشاء، فقط مرد یا فقط زن نیست ، بلکه من ذکر و انثی ؛ مرد و زن با هم . آنچه خاستگاه تمایز در این مرحله و شاخه شاخه شدن و قبیله قبیله گشتن آدمیان یعنی و جعلناکم شعوبا و قبائل است ، امکان شناخت یکدیگر و تفاوت گذاری میان آنان در این مقطع است که جزء نخستین و ضروری ترین نیازهای زندگی اجتماعی و حتی خانوادگی است . همان که قرآن با تعبیر لتعارفوا از آن یاد می کند. تا اینجا، عوامل تمایز نوعا طبیعی و خارج از اراده و خواست اولیه خود افراد است و به هر حال ملاک و میزانی برای ارزشگذاری نیست و اینچنین است که در این مرحله هیچ تفاوتی میان آدمیان در پیشگاه خداوند نیست چرا که همه آفریده او و رابطه وجودی اشان با آفریدگار یکسان است . آنچه وجه تمایز و در واقع میزانی برای ارزشهای وجودی و شخصیتی انسان ، زن یا مرد، به شمار می رود همان است که قرآن در پی اشاره به یکسانی آفرینش و تفاوتهای طبیعی و خاستگاه آن ، با تعبیر ان اکرمکم عند الله اتقیکم از آن یاد می کند. (۶۴) تقوا در معنای

حقیقی و گسترده آن که اینک مجال پرداختن به شرح آن نیست، شامل پایبندی به همه مقررات دینی و احکام الهی و همه ارزشهای دینی می گردد. لذا اگر در جای دیگری از فضیلت جهاد و تفاوت مجاهدان و قاعدان سخن می گوید و تصریح می کند که خداوند جهاد گران را بر قعود پیشگان، برتری ویژه ای داده است، در واقع یک مصداق روشن از تقوا پیشگی و کسب ارزش جهاد است. (۶۵)

اگر از تمایز میان عالم و جاهل و طبعاً برتری عالم بر جاهل و در واقع، علم بر جهل سخن می گوید، میزانی را ارائه می دهد که امری اکتسابی است و جنسیت ملاکی برای دستیابی به آن نیست. (۶۶) آیات چندی نیز که تفاوتهای ارزشی میان آدمیان را یادآور می شود، مثالها و نمونه هایی را که شاهد می گیرد اموری خارج از جنسیت است. خبیث و طیب (۶۷)، اعمی و بصیر و ظلمات و نور (۶۸) و زندگان و مردگان (۶۹)، بهشتیان و دوزخیان (۷۰)، مؤمن و فاسق (۷۱) و موارد چند دیگری که در عدم همسانی و تمایز آشکار میان دو دسته از مردمان بیان کرده است. (۷۲) فهم تفاوت میان نمونه ها و تمایلها نیز امری است وجدانی که قرآن به داوری وجدان خود مردمان و انهاده است و نیازی به استدلال ندارد.

اگر قرآن کریم از تفاوت و مراتب متفاوت آدمیان در نظام آفرینش نیز سخن گفته، یکی به این هدف شمرده است که تفاوتها، منشاء و موجب احساس نیاز متقابل و در نتیجه خدمت متقابل و تنظیم و

تقویت مناسبات و روابط اجتماعی باشد، و همه در خدمت هم باشند، (۷۳) و دیگری به این هدف که زمینه آزمون آنان فراهم آید. (۷۴) کما اینکه در تنظیم روابط اجتماعی و مناسبات میان آدمیان که طبعاً بر اساس جعل و در چارچوب قرارهای اعتباری و نظام تشریح می باشد بر همسانی زنان و مردان در اختصاص داشتن دستاورد هر یک به خود، تاءکید می ورزد و هر یک از آن دو را صاحب ارزشها و سرمایه های مادی و معنوی خود می داند و کسی را نرسد که که چشمداشتی به سهم یا کسب دیگری داشته باشد :

و لا تتمنوا ما فضل الله بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن . (۷۵)

و اگر در جایی نیز پس از تاءکید بر یکسانی و همسانی حقوق با تکالیف زنان ، در چارچوب روابط زناشویی (به حدس قوی) یا فراتر از آن در مناسبات اجتماعی (به احتمالی)، به یک نوع برتری مردان بر زنان حکم داده است (۷۶)، در مقام تشریح و چارچوب تدبیر منزل یا تنظیم روابط اجتماعی اس که طبعاً مسؤ ولیتهای سنگین تری متوجه مردان است و پر واضح است که این تمایز ربطی به ارزشهای اکتسابی هر یک از آن دو، در زمینه هایی که اسلام آنها را مایه ارزش می داند؛ ندارد. و به بیان علامه طباطبایی :

ان الاعمال التي يهدیها كل من الفريقين الى المجتمع هي الملا-ك لما اختص به من الفضل ، و ان من هذا الفضل ما تعین لحوقه بالبعض دون البعض كفضل الرجل علی المرءه فی سهم الارث ، و

فضل المرءه على الرجل فى وضع النفقه عنها، فلا- ينبغى اءن يتمناه متمن ، و منه ما لم يتعين الا- بعمل العامل كائنا من كان كفضل الايمان و العلم و العقل و التقوى و سائر الفضائل التى يستحسنها الدين ، و ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء و اسئلوا الله من فضله . (۷۷)

مضمون سخن این مفسر بزرگ این است : ملاک امتیاز و ارزش ، در هر یک از زن یا مرد، اعمالی است که تقدیم جامعه می کنند. البته پاره ای امتیازات امری اختصاصی است مثل افزونی سهم ارث مرد بر زن ، و امتیاز زن بر مرد در عدم مسؤ ولیت نسبت به نفقه . در این بخش هیچ کس نباید چشمداشتی نسبت به امتیاز دیگری داشته باشد. و بخش دیگر تنها به عامل آن بستگی دارد، هر کس می خواهد باشد. ارزش و امتیاز ایمان و دانش و عقل و پرهیزگاری و سایر ارزشهایی که دین می پذیرد، همه از این نوع است . ارزش و امتیازی است که خداوند به هر کس بخواهد می دهد و توفیق آن را باید از خداوند خواست .

و اینچنین است که حضرت امام خمینی در تاءکید بر فداکاری اعجاب آمیز زنان بزرگ ایران در طول جنگ ، یادآور می شوند :

اینجانب در طول این جنگ ، صحنه هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد.

و آنگاه به نمونه ای از ایثار و ارزشهای متعالی و افتخارآمیز بانوان به عنوان یک خاطره فراموش نشدنی می پردازند :

و آنچه

برای من یک خاطره فراموش نشدنی است ، با اینکه تمام صحنه ها چنین است ، ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت حال که نتوانستم به جبهه بروم ، بگذار با این ازدواج دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم . عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه های الهی آن را نویسندگان ، شاعران ، گویندگان ، نقاشان ، هنرپیشگان ، عارفان ، فیلسوفان ، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی توانند بیان و یا ترسیم کنند و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند. (۷۸)

و این مصداقی از رهنمود آسمانی حضرت صادق (ع) است که فرمود :

الامراه الصالحه خیر من اءلف رجل غیر صالح ؛ (۷۹)

زن صالح ، به از هزار مرد ناصالح است .

و در بیان دیگر فرمود :

لیس للمراه خطر، لا- لصالحتهن و لا- لطالحتهن ، اما صالحتهن فلیس خطرها الذهب و الفضة . و اما طالحتهن فلیس التراب
خطرها؛ التراب خیر منها ؛ (۸۰)

زن را ارزش و بهایی نیست ، نه برای صالح آنان و نه برای ناصالحشان . اما صالح آنان ، در مقابلش ، طلا و نقره برابری نمی کند، و اما ناصالح آنان ، ارزش خاک نیز ندارد و خاک بهتر از او است .

در ضد ارزشها نیز، تفاوتی

میان زن و مرد نیست و این درست بر خلاف تصور جاهلی و باور خرافه ای برخی مردم است که قبیح ارتکاب گناه توسط زنان را در مواردی بیشتر می دانند و ننگ آن را برای او حتی اگر توبه کند جاودانه می شمارند، اما مرد را حتی اگر اصرار بر آن ورزد مستحق چنین سرزنشی نمی شمارند. علامه طباطبایی ، خاستگاه چنین خرافه ای را همان تصور دوران جاهلیت می شمارد که آنان را به زنده به گور کردن دختران وا می داشت . علت اصلی این بود که در تصور آنان دختر وقتی بزرگ می شد و به همسری دیگری درمی آمد بازبچه دست او می شد و شوهر هرگونه که می خواست از او بهره می جست و این مایه ننگ خانواده دختر بویژه پدر او بود. آنگاه می افزاید :

و قد بقی من هذه الخرافات بقایا عند المسلمین ورثوها من اءسلافهم ، و لم یغسل رینها من قلوبهم المرءون ، فتراهم بعدون الزنا عارا لازما علی المرءه و بیثها و ان تابت دون الزانی و ان اصر، مع ان الاسلام قد جمع العار و القبح کله فی المعصیه ، و الزانی و الزانیه سواء فیها ؛ (۸۱)

ته مانده هایی از این خرافه ها بین مسلمانان مانده است و از پیشینیان خود به ارث برده اند و مرییان جامعه ، زنگار این خرافه ها را از دلهای آنان نشسته اند. لذا می بینی که زنا را ننگی ماندگار نسبت به زن و خانواده اش ، حتی اگر توبه کند می شمارند اما مرد زناکار را حتی اگر اصرار ورزد، نه . با

اینکه اسلام ننگ و زشتی را همه در گناه می داند و مرد بدکاره و زن بدکاره ، از این نظر یکسانند.

حضرت امام نیز چند روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با اشاره به موقعیت زنان در جمهوری اسلامی می افزایند :

ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد، البته جلوی فساد را می گیریم و در این مورد، دیگر بین زن و مرد فرقی نیست .

(۸۲)

میزان ارزش

تا اینجا، سخن از این رفت که شخصیت آدمی ، بسته به ارزشها و اعمالی است که کسب می کند اما اینکه میزان ارزش چیست و ملاک فضیلت کدام است ، موضوعی است که نیازی به شرح آن نیست و جای جای سخنان حضرت امام ، مستقیم و غیر مستقیم گویای ارزشهای متعالی انسانی و اسلامی و موازین آن است . به اجمال ، تنها اشاره به دو فراز از سخنان آن بزرگوار می شود؛ یکی در شرح برخی امور که در رژیم فاسد گذشته به عنوان ارزشهای واقعی ترویج می شود، و دیگری در اشاره به ارزشهای حقیقی .

وقتی در قشر توده های مردم نگاه می کردی ، در بین زن و مرد هر دو طایفه ، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش ، هر که بهتر لباس می پوشید و شیک تر بود در لباس ، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام می گرفت این پیش زنها هم ارزشش زیادتر بود، البته پیش اکثر، ارزشها همه به امور مادی بود. (۸۳)

پیش از

پیروزی انقلاب اسلامی، در پاریس، وقتی یکی از خبرنگاران زن به حضور امام می‌رسد و مطرح می‌کند که چون امام وی را به عنوان یک زن پذیرفته است، این نشان می‌دهد که نهضت، بر خلاف تبلیغات دیگران که آن را عقب مانده می‌شمارند، یک نهضت مترقی است! حضرت امام، اشاره می‌کنند که صرف پذیرفتن یک خبرنگار زن دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است و بعد با اشاره به تصور ناصحیح برخی افراد از ترقی، اضافه می‌کنند:

ترقی به کمالات انسانی و نفسانی است و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است، نه اینکه سینما بروند و دانش بروند. و اینها ترقیاتی است که برای شما درست کرده اند و شما را به عقب رانده اند. (۸۴)

دهم: زن، آزاد و مسؤول در تعیین سرنوشت

اشاره

یکی از مهمترین الگوهای دین شناختی حضرت امام در حوزه مسایل زنان که در واقع وجهی اساسی در تمایز میان اندیشه و نگاه ایشان و بسیاری از بزرگان دیگری که از زبان دین سخن می‌گفتند و می‌گویند، به شمار می‌رود، اصل و محور فراگیر و گسترده‌ای است که در اینجا با عنوان مسؤولیت و دخالت در سرنوشت از آن نام می‌بریم. این مهم با توجه به سرفصلها و موضوعات متعددی که در مصداق‌یابی آن از منظر اندیشه امام وجود دارد می‌تواند با تعابیر دیگر و یا در چند بخش مجزا مطرح شود. مجال اندک مقاله چاره‌ای جز شرح اجمالی و پرداختن فهرست گونه به بخشی از عناوینی که زیر مجموعه این

اصل قرار می گیرند، باقی نمی گذارد. آنچه در این بخش مورد نظر است عمدتاً از وجهه نظر مسؤ ولت عملی زن در دو حوزه فرد و جامعه است و نگاهی به بعد کلامی و مباحث انسان شناختی ندارد. در آن زمینه به همان شرحی که در محور خوشبختی ، کالای مشترک ، آمد بسنده می کنیم . تردیدی نیست و کسی نیز نمی تواند تردید کند که زن نیز یکسان با مرد، در سرنوشت خود دخیل است و پاسخگوی عمل خود می باشد. مدار تکلیف و مسؤ ولت ، عبارت است از اراده و اختیار و آزادی عمل از یک سو، و خرد و آگاهی از سوی دیگر. و هر انسانی ، زن یا مرد، در گرو دستاوردها و اکتسابات خود است ، چه خوب و چه بد :

کل نفس بما کسبت رهینه (۸۵)

لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت . (۸۶)

در اینها تردیدی نیست و کسی نیز تردید نکرده است و نیازی به شرح و بسط آن نمی باشد. آنچه در این مختصر از منظر دین شناسی امام به آن اشاره می کنیم ، همسانی زن و مرد و مسؤ ولت مشترک آنان در حوزه عمل بانوان بویژه در زمینه های حضور اجتماعی می باشد. مظاهر حضور اجتماعی اعم از تلاشهای فرهنگی ، آموزشی ، سیاسی و هنری ، تحصیل ، اشتغال و تولیدات صنعتی ، کشاورزی و دامی و دیگر فعالیتهای اجتماعی با حفظ جهات شرعی اختصاص به قشری یا جنسی خاص ندارد و زنان نیز نه تنها حق پرداختن به آنها را دارند بلکه در بسیاری موارد تکلیف دینی و اجتماعی آنان

به شمار می رود و تلاش حضرت امام نیز طی سالهای مبارزه و پس از آن ، از جایگاه مرجعی بزرگ و رهبری که فقط و فقط از موضع احکام دین و تکالیف اسلامی سخن می گوید، مصروف این شد که بانوان را به صحنه آورد و از قید و بندهای خرافه ای و محرومیتهای خود ساخته ای که بر تلاش اجتماعی و نقش آفرینی آنان با توطئه دشمنان و ناآگاهی توسط برخی دوستان بسته شده بود بگشاید و آنان را به مرحله ای از رشد و بالندگی برساند که در ردیف یکی از افتخارات خود و جامعه اسلامی در آغاز وصیت نامه سیاسی الهی خویش اعلان کند :

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان ، در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند... و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نمودند. (۸۷)

اصل همسانی زن و مرد در جایگاه اجتماعی و حضور سازنده و فعال در صحنه های مختلف جامعه به عنوان یک انسان مستقل ، امری نیست که آشنایان به اسلام بی آلایش و رها از داوریهای پیش ساخته و تکلفهای خودساخته ، به آن اذعان نداشته باشند. مفسر عالی قدر، علامه

طباطبایی در شرح جایگاه اجتماعی زن در بیانی کلی می نویسد :

و اما وزنها الاجتماعی : فان الاسلام ساوی بینها و بین الرجل من حیث تدبیر شؤ ون الحیاه بالاراده و العمل فانهما متساویان من حیث تعلق الاراده بما تحتاج الیه البنیة الانسانیة فی الاء کل و الشرب و غیرها من لوازم البقاء، و قد قال تعالی : بعضکم من بعض (۸۸)، فلها اءن تستقل بالاراده و لها اءن تستقل بالعمل و تمتلك نتاجها کما للرجل ذلك من غیر فرق ، لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت .

محصول این بخش سخن علامه این است که زن در برآوردن نیازهای انسانی و اجتماعی خویش با مرد یکسان است و می تواند مستقلا تصمیم بگیرد و مستقلا عمل کند و مالک دستاوردهای خود است . در نگاه ایشان تنها دو ویژگی در زن است که طبعا و به مقتضای آن دو، مسؤ ولیتهای خاصی را متوجه او می سازد :

احدیهما : اءنها بمنزله الحرث فی تكون النوع و نمائه فعلیها یعتمد النوع فی بقائه فتختص من الاحکام بمثل ما یختص به الحرث ، و تمتاز بذلك من الرجل . و الثانیة : اءن وجودها مبنی علی لطافه البنیة و رقه الشعور، و لذلك اءیضا تاءثیر فی احوالها و الوظائف الاجتماعیة المحوله الیها . (۸۹)

آن دو ویژگی ، یکی جایگاه و مسؤ ولیت زن در چرخه شکل گیری وجود آدمی و رشد آن است که بقای نسل متکی بر این جایگاه است و طبعا در تشریح و تنظیم مناسبات اجتماعی به مقتضای آن و نه بیشتر، احکام و مسؤ ولیتهایی را متوجه او می سازد، و دوم ،

ساختار لطافت آمیز و ظرافتهای ادراکی وی است که به گونه ای در مسؤ ولتیهای محوله به او تاءثیرگذار می باشد و شرح آن در بخش دیگری از همین نوشته با عنوان عاطفه زن ، نقطه عطف زندگی آمده است .

حضرت امام به مقتضای شناخت همه جانبه و عمیقی که از آموزه های دینی دارند به شرحی که در مقدمه گذشت رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می دانند، به گونه ای که بتواند در سرنوشت خود دخالت کند :

ما می خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. (۹۰)

اگر قرآن کریم سرنوشت جوامع را به دست خود آنان می داند و پیشرفت و تحولات نیک آن را در سایه تلاشهای آحاد جامعه معرفی می کند (۹۱) و انحطاط اخلاق و فرهنگ و زوال نعمتها و شکست تمدنها را نیز ناشی از عملکرد خود مردم می شمارد (۹۲) این مردم اختصاص به گروهی خاص ندارد. جلوه ای از این اصل قرآنی همان است که در سخنان امام بارها بر آن تاءکید شده است ؛ از جمله اینکه :

اسلام زن را مثل مرد در همه شؤ ون ، همان طوری که مرد در همه شؤ ون دخالت دارد، دخالت می دهد. (۹۳)

حضرت امام چنان که اشاره شد، دخالت در سرنوشت خود و شؤ ون اجتماعی را نه تنها حق بانوان بلکه تکلیف شرعی و به عنوان عمل به وظیفه دینی و اجابت دعوت الهی می شمارند و این ، آن الگویی است که ما را در شناخت بیشتر دین یاری می

دهد

و یک عامل اساسی در برتری اسلام در تکریم شخصیت زنان و حمایت از حقوق اجتماعی و سیاسی آنان و تاءکید بر مشارکت و حضور آنان در عرصه های مختلف اجتماعی در مقایسه با دیگر مکاتب و نظامها است .

این بانوان را کی بسیج کرده که در همه شئون کشور دخالت می کنند و دخالت بجایی هم می کنند؟ اینها را کی ، اینها را خدا دعوت کرده است . اینها لبیک برای خدا دارند می گویند. (۹۴)

پیامبر اکرم (ص) دعوت خویش را از روز نخست متوجه همه اقشار اجتماعی می دانست . دومین فردی که به او ایمان آورد یک زن بود که تا آخر نیز به پای ایمان خویش ایستاد و آنهمه فداکاری کرد و نام خویش را به عنوان یکی از چهار زن برگزیده جهان توحید ثبت نمود. زنان در همه صحنه ها حضور داشتند، حضوری مسؤلانه و از سر ادای وظیفه دینی و رسالت ایمانی خود. حضوری که در پاسخ به ندای پیامبر (ص) بود. در نخستین بیعتی که با پیامبر (ص) پیش از هجرت در عقبه ، از جانب چند نفر از مردم یثرب که هنوز نام مدینه را نیز به خود نگرفته بود، صورت گرفت ، از زنی به نام هفراء دختر عبید بن ثعلبه نام برده شده است و در اهمیت حضور وی همان بس که برخی علت نامگذاری آن بیعت به بیعه النساء را همین می دانند. در بیعت دوم در سال بعد نیز حداقل دو زن حضور داشتند. در بیعت عمومی مردم مکه هنگام فتح آن نیز همه شرکت جستند. قرآن

کریم نیز به مسأله استقبال زنان از بیعت پرداخته و پیامبر (ص) را موظف به پذیرش آن کرده است. (۹۵) در جریان هجرت نیز که یک امر حیاتی برای مسلمانان بود، چه در هجرت مخفیانه به حبشه که از جمع حدود یکصد نفر مهاجران، نزدیک ۲۰ نفر زن شرکت داشت، و چه در هجرت به مدینه، پیش از هجرت پیامبر (ص) و پس از آن که مسلمانان اموال خویش را در مکه نهاده و به دنبال پیامبر روانه مدینه می شدند و حدود ۵۰۰ کیلومتر راه را با دشواری بسیار طی می کردند.

حضرت امام در باب ضرورت مشارکت بانوان در آنچه که به سرنوشت جامعه اسلامی مربوط می شود، در حوزه های مختلف اجتماعی بیانات بسیاری دارند که پرداختن به همه نکات و آموزه های آن از مجال بحث بیرون است. آنچه در این مختصر بازگو می شود تنها اشاراتی بس کوتاه، آن هم به بخشی از محورها و عناوین است، افزون بر آنچه در سایر بخشهای مقاله آمده است.

مشارکت سیاسی :

یکی از محورهایی که در حضور اجتماعی بانوان، سخت مورد تاءکید حضرت امام است، مسأله مشارکت سیاسی آنان می باشد :

زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زنها در جمهوری اسلامی رأی باید بدهند. همان طوری که مردان حق رأی دارند، زنها حق رأی دارند. (۹۶)

همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها

آنچه در این نوشته، به عنوان محور اصلی دنبال می‌شود، این نکته اساسی است که حضرت امام اینها همه را از موضع دین و در جایگاه معرفی اسلام بازگو می‌کنند. و چهره‌ای که از دین و شریعت ترسیم می‌کنند جز این نیست که بانوان دوشادوش مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و شؤون زندگی حضور فعال و مسؤولانه دارند:

خانمها برای اینکه یک چیزی مثلا دستشان بیاید یک یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند نمی‌آیند بیرون خودشان و بچه‌هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانمها را آورده است بیرون و همدوش مردها بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرد. (۹۸)

حضور در عرصه سازندگی

یکی دیگر از صحنه‌های مشارکت فراگیر، مسأله سازندگی همه جانبه کشور و جامعه است که هیچ کس نباید و نمی‌تواند تردید کند که بدون حضور فعال بانوان جامعه اسلامی بتوان در این مهم توفیق کامل به دست آورد. در این خصوص نیز حضرت امام، تائیدهای زیادی دارند:

همه ملت ایران، همه ملت ایران، چه بانوان و چه مردان باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند، بسازند با دست مرد تنها درست نمی‌شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند. (۹۹)

زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته‌چنان که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند و شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آنها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زنهای متعهد و بانوان اسلامی ارجمند

به وجود آمده است . (۱۰۰)

حضرت امام اساساً معنای آزادی صحیح بانوان را نیز همین می شمارند که آنان بتوانند با حفظ شؤن دینی و انسانی خود، در سازندگی کشور نیز نقش ایفا کنند :

امروز زنان در جمهوری اسلامی همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان ، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می شد که آزادی آنان ، در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود. (۱۰۱)

تلاش فرهنگی

یکی از عرصه های حضور اجتماعی که از منظر دینی ، بانوان وظیفه دارند در آن مشارکت فعال داشته باشند، تلاش در عرصه فرهنگ به معنای وسیع کلمه است . و حضرت امام ، بارها بر این مهم که طبعاً بخش عمده ای از حیات اجتماعی را در بر می گیرد تاءکید کرده اند :

شما می دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صد سال ، بلکه از اول بعد از پیغمبر سلام الله علیه تا برسد به حالا فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند، و این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانمها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند شما هم باید مشغول باشید. (۱۰۲)

مشارکت در نظارت عمومی

نظارت فعال و متعهدانه بر آنچه در جامعه اسلامی بویژه در اجزاء نظام اسلامی می گذرد و تلاش برای حسن جریان امور، وظیفه ای است شرعی و متوجه همه افراد جامعه ، چه زن و چه مرد. زن نیز باید در نظارت بر امور، خود را مسؤول بداند. نظارت مسؤولانه علاوه بر آگاهیهای لازم ، نیازمند حضور فعال و اظهار نظر در مسایل است :

باید همه زنها و همه مردها در مسایل اجتماعی ، در مسایل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. (۱۰۳)

این سخن امام ، شعاعی از فرمان قرآن کریم است که به صراحت پیوند مسؤولانه و ایمانی زنان و مردان مؤمن را یادآور می شود و آنان را عهده

دار مسؤ ولیت امر به معروف و نهی از منکر می شمارد، همان گونه مسؤ ول اقامه نماز و ادای زکات و پیروی از خدا و رسول می داند :

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یاءمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوٰه و یؤتون الزکوٰه و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیز حکیم . (۱۰۴)

آری به گفته قرآن ، این چنین جامعه ای با چنان پیوندهای ایمانی و مناسبات اجتماعی مسؤ ولانه و نظارت همه جانبه در کنار انجام دیگر وظایف دینی است که مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرد.

حضور در دفاع و تدارک میدان نبرد

تحمیل جنگی ناخواسته بر ملت انقلابی ایران ، فرصتی تاریخی را برای بانوان مجاهد و فداکار فراهم آورد که گوهر وجود ایمانی و ارزشهای انسانی خویش را به زیباترین و گویاترین شکل به نمایش گذارند و زمینه ای شد که حضرت امام نیز وجه دیگری از مشارکت بانوان در مقدرات اساسی جامعه و سرنوشت خویش را بازگو کنند. و اینچنین بود که یکی از محورهای اساسی در بیانات حضرت امام درباره جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را، ضرورت و نحوه حضور بانوان و تلاش جهادی آنان تشکیل می دهد؛ از آموزش نظامی گرفته تا تدارکات جبهه ، تربیت فرزندان و تشویق همسران و بستگان برای حضور در میدان نبرد، حضور در سپاه و ارتش و حتی حضور خود بانوان در جهاد دفاعی که مسؤ ولیتی مشترک میان زن و مرد است . و اینها همه از نگاه دینی ، تحلیل و استدلالهای روشن و انکار ناپذیری دارد.

زنان در صدر اسلام با مردان در

جنگها هم شرکت می کردند ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مردان بلکه جلوتر از آنان در صف قتال ایستادند، خود و بچه های خود و جوانان خودشان را از دست دادند و باز هم مقاومت کردند. (۱۰۵)

اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم، زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع این طور نیست که تکلیف منحصر به فرد باشد یا اختصاص به یک دسته ای داشته باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند. (۱۰۶)

من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمندہ شده است امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تاءیید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپاخواسته است به پایان رسانند. (۱۰۷)

استدلال بر ضرورت آموزش نظامی توسط بانوان در شکلهای مختلف آن نیز کاملاً روشن است. کما اینکه امام خطاب به جمعی از بانوان می فرماید:

اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل شود. از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن، یاد گرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است. این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم. باید بدانیم چه جور دفاع می کنیم... البته در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می بینید باید محیط صحیح باشد، محیط اسلامی باشد، همه جهات عفاف محفوظ

باشد، همه جهات اسلامی محفوظ باشد. (۱۰۸)

پایان بخش این محور، سخن دیگری از حضرت امام در پیش از پیروزی انقلاب است که هم تاء کیدی بر مشارکت مسؤ ولانه بانوان در جهاد شرعی است و هم تاء کیدی بر حضور فعال در جامعه و مشارکت در اموری که به سرنوشت آنان مربوط می شود :

این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد مثلاً دیگر زنها باید بروند توی خانه ها بنشینند و قفلی هم درش بزنند که بیرون نیایند این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند. صدر اسلام زنها توی لشکرها هم بودند، توی میدانهای جنگ هم می رفتند. (۱۰۹)

یازدهم : عفاف و حجاب ، دژی تسخیرناپذیر

وقتی از منظر اندیشه و نگاه امام خمینی به دین شناسی در حوزه مسایل زنان می پردازیم ضرورت حفظ شوون و شرایطی که یک زن مسلمان باید در حضور اجتماعی و سلوک و رفتار خویش به آن کاملاً پایبند باشد، بخوبی آشکار است . همان که از آن به عفاف و پاکدامنی ، و به حجاب و پوشش شرعی یاد می کنیم . انقلاب و مبارزه تا پیروزی هنر امام بود، اما هنر بزرگ و بی بدیل امام این بود که این همه را با صیغه دینی و کاملاً منطبق بر خواستها و ارزشهای دینی سامان داد. آوردن بانوان به صحنه انقلاب و میدان مبارزه بی شک هنر امام بود. اما هنر بی نظیر وی آن بود که آنان را با تاء کید بر حفظ شوون شرعی به صحنه آورد و در میدان دفاع از دستاوردهای انقلاب ، حاضر نگه داشت ؛ تا آنجا که انقلاب او، انقلاب چادرها نام گرفت .

این حقیقت شیرین از یک منظر جای شگفتی ندارد چرا که امام اساساً یکی از اهداف قیام خود را نجات جامعه از فرهنگ بی بند و باری و زدودن مظاهر هتک کرامت بانوان و آنچه خود امام از آن تعبیر به آزادی وارداتی می کرد بود. (۱۱۰) هنر امام این بود که نه ضرورت حضور اجتماعی و سازنده بانوان در سرنوشت خود و جامعه را فدای یکسویه نگری و تنگ نظری به دین و جایگاه زن نمود و نه به عذر مبارزه و حضور بانوان در صحنه های مختلف آن، چارچوبهای شرعی و شؤون مورد نظر شریعت اجتماعی و کرامت انسانی زن مسلمان و حضور سازنده او در جامعه و نقش کامل وی در تعیین سرنوشت خود، تنها با حفظ همه جهات شرعی که در اینجا از آن با نام عفاف و حجاب یاد می کنیم، ممکن است و طبعاً و لزوماً تحلیل شخصیت و ارائه چهره اجتماعی زن مسلمان از منظر دین شناسی امام، در هر جایگاه و مسؤ ولیتی که قرار می گیرد، عفاف و حجاب به معنای وسیع و صحیح آن به عنوان یک اصل محوری، حضور دارد و صد البته که نه عفاف می تواند در دایره بسته سلیقه این دین مدار یا سهل انگاری و ولنگاری فکری و اعتقادی آن توجیه گر، تفسیر و تعیین مصداق گردد و نه حجاب بر مدار تنگ نظری و تعصب بیجای این فرد یا آن گروه می چرخد و نه موم صفت می تواند هر روز و به دلخواه هر کس به شکلی در آید.

چارچوب شرعی آن مشخص

است و هر جا نیز عرف و موضوع حکم شرع باشد، مردم عرف خود را می شناسند. حضرت امام بارها بر انجام وظایف و مسؤ و لیت‌های اجتماعی بانوان تاءکید ورزیده اند و در عین حال حفظ سایر شؤ و ن دینی را یادآور شده اند :

امروز باید خانمها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را باید عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی ، کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند. (۱۱۱)

امام وظیفه دینی را در جای دیگر با اشاره به وضعیت مطلوب کنونی در ایران شرح می دهند :

همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زنها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است ، که بحمدالله امروز در ایران جاری است . (۱۱۲)

این جلوه ای از همان سخن امیرالمؤ منین (ع) است که حیا و عفت را از صفات و دستاوردهای ایمان شمرد و جزء سجایای آزادگان و رسم نیکان دانست :

ان الحیاه و العفه من خلائق الایمان و انهما لسجیه الاحرار و شیمه الابرار ؛ (۱۱۳)

حیا و پاکدامنی ، نشانه آزادی و جوانمردی و لازمه ایمان است .

ملتی که آزادی یافته ، لازمه آزادی را حیا و پاکدامنی و رها شدن از فرهنگ بی بند و باری می داند. پاکدامنی و حجاب نشانه آزادی است و مردان و زنان آزاده ، آنانند که با حیا و پاکدامن باشند. آزادی ، خاستگاه و سرمنشاء بسیاری صفات نیک و سلوک پسندیده از جمله حیا و خویشتن

داری است. این سخن امام صادق (ع) است که حریت را جامع صفاتی می شمارد که اگر حتی یکی از آنها در کسی نباشد، خیر چندانی در وی نیست؛ وفاداری، تدبیر، حیا، حسن خلق و در نهایت که به تعبیر امام (ع) جامع صفات دیگر است، آزادی:

خمس خصال من لم تکن فیه خصله منها فلیس فیه کثیر مستمتع؛ اولها: الوفاء و الثانیه: التمدیر، و الثالثه: الحیاء و الرابعه: حسن الخلق، و الخامسه و هی تجمع هذه الخصال الحریه. (۱۱۴)

حضرت امام در جای دیگری می فرماید:

بانوان محترم ایران ثابت کردند که دستخوش این طور توطئه ها نشده اند و نمی شوند و ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه نخواهند در آن راههایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آنها گذاشته بود، به آن راهها نخواهند رفت. (۱۱۵)

بنابراین، حفظ جهات شرعی به صورت کامل در همه صحنه های حضور اجتماعی به معنای وسیع کلمه، یک الگوی محوری، برای دین شناسی در حوزه مسایل زنان از منظر حضرت امام است. حضرت امام، حتی بانوان را به آموزش نظامی تشویق کرد و آن را در شرایطی واجب شمرد، و یا به عنوان نمونه از عضویت در ارتش یا سپاه پاسداران نهی نکرد اما همواره با تاءکید بر حفظ جهات شرعی و شؤون دینی زن مسلمان. (۱۱۶)

تکلمه این محور، سخنی

از امیرالمؤمنین (ع) است، خطاب به مردم عراق، آنهم در زمانی که حضرت در راس حکومت بودند و شنیده بودند در رفت و آمد برخی زنان و مردان حدود و مرزهای شرعی و کرامت انسانی بانوان رعایت نمی‌گردد:

یا اله العراق! نبئت ان نساء کم یدافعن الرجال فی الطریق؛ اءما تستحون؟! (۱۱۷)

ای عراقیان! شنیده‌ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می‌کنند! (و مثلاً شانه به شانه می‌شوند) آیا شرم نمی‌کنید؟!

همین نکته را در گزارش دیگری که مرحوم کلینی در کتاب کافی آورده چنین می‌خوانیم:

ءما تستحیون و لا تغارون؟! نساء کم بخرجن الی الاءسواق و یزاحمن العلوج؛ (۱۱۸)

آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنانتان روانه بازارها می‌شوند و با افراد لایابالی و بی‌ایمان برخورد می‌کنند و می‌لوند؟!

دوازدهم: تحصیل و تدریس، فرصتی برای همه

توضیح

اسلام، دین دانش و معرفت، اندیشه و قلم است. جای جای این دین شریف، دعوت به رشد علمی و تآکید بر تحصیل کمالات معرفتی، آموزشی دادن و دانش آموزی است. تاریخ اسلام، از نخستین روز آن گواه گویا و انکار ناپذیری بر این حقیقت روشن است. آن همه آیات که به دانش و کمالات معرفتی و پی بردن به رموز عالم و کشف حقایق هستی فرا می‌خواند. و آن حجم وسیع متون حدیثی که در باب علم و جنبه‌های مختلف آن، وارد شده و به مبارزه علیه جهل و عقب ماندگی پرداخته است و آن سیره حسنه و عملکرد افتخارآمیز اولیاء دین علیهم

السلام که بیشترین تلاش را در گسترش دانش و معرفت و تعمیق و توسعه فرآورده های علمی داشته اند و آن تاریخ علمی مسلمانان تاکنون که از فرط روشنی هیچ نیاز به اشاره نیز ندارد.

اساسا اسلام که رسالت خود را هدایت می داند، نمی تواند جز بر مبنای دانش و معرفت ، به رسالت خود جامه عمل پوشد. اسلام که آدمیان را بی هیچ تفاوتی میان زن و مرد مخاطب سخن و تکلیف سازی خویش می داند عقاب بی بیان را به حکم عقل ، زشت می شمارد، نمی تواند به دانش و دانایی فرا نخواند. اسلام که سیادت و استقلال مؤ منان به خویش را طلب می کند و به عنوان یک اصل فراگیر در طول و عرض ، در زمان و مکان ، تاءکید می ورزد که ولن يجعل الله للكافرين على المؤمن سبيلا (۱۱۹) کافران را هیچ راه سلطه و سیادتی بر مسلمانان نیست ، جز این نیست که همه مؤ منان را به جهاد علنی فراگیر دعوت کند. اسلام که حتی رفتارهای عبادی بندگان را در جهت کسب معرفت و دستیابی به مراحل معرفتهای درونی و شناخت بیشتر حقیقت هستی و ملکوت آسمانها و زمین می داند و اساسا، پایه اصلی معراج به هر معنا و شکلی که باشد چیزی جز دستیابی به حقایقی برتر در جهان ملکوت و در بارگاه قدس ربوبی نیست ، چه اینکه جانمایه اصلی نزول فرشتگان بویژه فرشته وحی ، اتصال بشر به جهان معرفت و عوالم غیب و رمز و رازهایی است که آدمی جز به مدد ایمان به پیامبران (ع) و

به واسطه وحی ، راه به آنها ندارد، هویت این دین چیزی جز معرفت و دانش در مراتب مختلف آن و ایمان به حقایق برتر هستی و وفق دادن و هماهنگ ساختن خویش با آن نیست ، آیا چنین دینی در ذات خود اساسا می تواند با دانش پذیری نیمی از مخاطبان خود سازگاری نداشته باشد. این درست به آن ماند که گفته شود این دین با هدایت و ایمان و سعادت جاودانه این نیمه کاری ندارد! آیا چنین مکتبی هیچ منفعتی در ناآگاهی مؤمنان به خویش دارد. این درست به آن ماند که گفته شود اسلام منفعت و بقای خود را در بی ایمانی مردمان و هدایت نیافتگی آنان می جوید! نیک در می یابیم که چرا حضرت امام خمینی ، شکرگذار و ستایشگر فضایی هستند که بانوان ما را از عقاید بسته ای که دانش را در انحصار مردان می جست نجات بخشید و همه را دعوت می کنند که کاستیهای گذشته را نیز جبران کنند :

بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود رها شد امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. بانوان مشغول هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند و خودشان در هر جا هستند مشغول تربیت و تعلیم هستند و این یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و مسأله علمی بگویند و مسأله عقیدتی بگویند. امروز اینها می توانند

با همه حفظ جهات اسلام در همه جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم ما بسیار عقب افتاده بودیم در این امور و امروز باید تلافی کنیم، باید نقیصه ها را رفع بکنیم. (۱۲۰)

جای پرداختن به آن همه ادله روشن در تاءکید اسلام بر ضرورت تحصیل و تدریس دانش و معرفت در رشته های مختلف علوم، بویژه علوم مورد نیاز جامعه و بالاخص دانش هدایت و کمالات معنوی نیست و در این مجال، نیازی به بازگو کردن حتی بخش کوچکی از آن نیز نمی باشد. ما نمی توانیم و نباید این همه برهانهای روشن و قطعی را نادیده انگاشته و به صرف وجود برخی متون یا به عذر برخی عوارض، تحصیل و تدریس را چهره ای مردانه به آن بدهیم و حتی آن را مایه فتنه برای نیمه دیگر احتمال دهیم. این چیزی جز تحجر و درآمیختن سلیقه ها و عادات شخصی به دین و دیانت نیست. از این رو اگر در برخی روایات، تعلیم بانوان به گونه ای مورد نکوهش قرار گرفته و از منع آنان از دانش آموختن سخن گفته این مضامین حدیثی را نمی توانیم بپذیریم. نه موازین حدیث شناسی و حدیث پذیری چنین روا می دارد و نه اصول استنباط و اجتهاد در شریعت مقدس می تواند اینها را همراهی کند و نه با مذاق شریعت و دین، دانش و معرفت همخوانی دارد. این دسته روایات را باید به کناری نهاد یا به گونه ای قابل قبول به تاءویل برد یا اگر چنین وجهی یا توانی

نیست ، مسؤ ولیت فهم آن را از خود سلب کرد و دانش آن را چنان که در تعبیر بزرگان دانش حدیث رواج دارد به صاحبان آن واگذار نمود. برای مبارزه با همین اندیشه های واپسگرا و در راستای تشویق به رفع کاستیهای گذشته و رشد علوم و برشماری دستاوردهای انقلاب است که حضرت امام ، بر یکسانی زن و مرد در تحصیل و تدریس تاءکید می ورزند و الا کیست که نداند دانش به معنای وسیع آن چهره ای مردانه ندارد و نباید داشته باشد :

علوم مطلقا، خصوصا علوم اسلامی اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می توانند حتی در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خدمتهای ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم ، جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند. (۱۲۱)

به حکم عقل و به حکم داوری و خواست جوامع ، روشن است که رعایت تناسب و اولویت بندی در گزینش گرایشهای علمی و رشته های مختلف علوم و احترام به حق انتخاب آحاد جامعه و حفظ مصالح عمومی ، و نکاتی از این دست ، در گزینش هر کاری و حرفه ای و دانشی دخالت خواهد داشت و این امری طبیعی است اما این به معنای تبعیض در دانش یا اختصاصی کردن علوم نیست بلکه بهره وری بهینه از فرصتها و امکانات است . حضرت امام در تشویق به توسعه دامنه علوم و تواناییهای علمی بانوان می فرماید :

حالا طوری شده است که خانمها همدوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب

علم و ان شاء الله صنعت ، فعالیت می کنند. (۱۲۲)

و اینچنین است که اینک به جز هزاران نفر فارغ التحصیل ، صدها نفر از بانوان ارجمند در حوزه های علوم اسلامی به تحصیل و تدریس اشتغال دارند و هزاران نفر از آنان دانش دین آموخته اند، و اینچنین است که امروز بیش از نیمی از دانشجویان در مراکز آموزش عالی را دختران و بانوان این سرزمین اسلامی تشکیل می دهند. خدای را بر این حسن توفیق سپاس می گوئیم و درود بیکران اولیای الهی و شهدای عزیز را به روح والای حضرت امام خمینی می فرستیم و سلام و تحیت خویش را نثار آن بزرگ مرد در خانه ملکوت می کنیم .

قم تیرماه ۱۳۷۸

ضمیمه : امام خمینی و راهبرد نهاجم

موضوع زن و مسایل مرتبط با آن ، یکی از محورهای روشن و عمده تبلیغاتی دشمنان اسلام در هجوم به احکام شریعت و ارزشهای دینی و بدبین کردن دیگران به اسلام می باشد، کشاندن مسلمانان به موضع انفعالی در دفاع از ارزشها و احکام اسلامی از جمله در موضوع زن و خانواده و تلاش برای دست شستن از تفسیر انسانی اسلامی شخصیت انسانی زن و حقوق و تکالیف وی در شریعت مقدس ، هدفی است که دشمنان همواره در پی آنند. آنان در حالی خود را داعیه دار دفاع از آزادی و حقوق بانوان می شمارند که به شخصیت و حقوق انسانی زن و خانواده بیشترین ستم را روا می دارند و در شکلی پیشرفته ، بهره کشی از وی و استفاده ابزاری از تواناییها و جاذبه های او را بی پروا تبلیغ و حمایت می کنند. اندیشه

ای که در درون آن چنین رفتاری با زن و خانواده شکل می گیرد و در عین حال داعیه انسان مداری را دارد، فرسنگها از حرمت واقعی انسان و ارزشهای وجودی وی فاصله دارد و سخت شایسته نقادی و افشاگری علمی می باشد. بنیانهای فکری فرهنگی آنچه در غرب به عنوان شخصیت و حقوق زن مطرح است، باید مورد هجوم اندیشه های متعالی و انسان ساز اسلامی قرار گیرد و ناکارآمدی آن در سعادت مند ساختن انسان، بر ملا گردد. و این رسالتی است که بر دوش متفکران و عالمان و محافل علمی، فرهنگی سنگینی می کند.

سیاست تهاجم همه جانبه به دشمن از جمله در زمینه مسایل فرهنگی و سیاسی، یکی از راهبردهای اساسی و از اصول مبارزاتی حضرت امام خمینی می باشد. این اصل برخاسته از رهنمودهای قرآن و سنت است که مسلمانان را به ایستادگی در مقابل دشمن و پیش دستی در هجوم به بنیانهای فکری، فرهنگی، سیاسی و توان نظامی او فرا می خواند و از برخورد انفعالی و ضربه پذیری باز می دارد. آنچه می خوانید تحلیلی کوتاه در همین زمینه است که به تناسب موضوع اصلی کتاب، یک مسأله مهم فرهنگی به شمار می رود، به عنوان ضمیمه ارائه می گردد.

این نوشته، نخست در سال ۱۳۷۳ در ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت سالگرد رحلت حضرت امام خمینی انتشار یافت و اینک همراه با اصلاحاتی به انگیزه تاءکید بر رسالت یاد شده در حوزه مسایل فرهنگی، تقدیم می گردد.

قم سید ضیاء مرتضوی

۳۰ آذر ۱۳۷۸ ۱۲ رمضان ۱۴۲۰

برای آنان که زندگی، مبارزه

و رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) را پی می گیرند اصل راهبردی تهاجم یکی از عناصر اصلی و جزء راهبردهای کلان در اندیشه مبارزاتی، رهبری و پیروزی امام خواهد بود. در تحلیل و ارزیابی حرکت پیروزمند امام، دریافتهای خرد و کلان بسیاری خواهیم داشت که باید سیاست تهاجم را از بخشها و محورهای اولیه آن شمرد. این مبارزات چه پیش از پیروزی و چه پس از آن، به روشنی نشان می دهد که امام با استراتژی تهاجم به دشمن و بنیانهایی که بر آن استوار است توانست همواره از موضعی برتر، انقلاب را تا سر منزل پیروزی و پس از آن در مقابله با آنچه پیش آمد، رهبری نماید. بنیه های فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی همواره دستخوش حملات هجومی خط و حرکت مبارزاتی امام بوده است و اساسا بینش لزوم بنیانگذاری حکومت اسلامی، بر همین اصل نیز استوار است.

حرکت پیروزمند انقلاب اسلامی و برپایی جمهوری اسلامی در پیدایش خود مبتنی راهبرد تهاجم بوده است و در بقاء و ادامه آن نیز همواره نیازمند این اصل است. عدول از راهبرد تهاجم و کشاندن یا کشیده شدن به مواضع تدافعی و انفعالی به هر میزان و در هر زمینه، به همان فراخور، به مثابه برگشت از یک اصل فراگیر است که شکست و درماندگی را در پی خواهد داشت.

در رهنمودهای دینی و نیز سیره عملی اولیای دین (صلوات الله علیهم) شاهد عنایت ویژه ای به اصل مذکور می باشیم. آنچه بر اهمیت موضوع می افزاید گستره اصل راهبردی تهاجم

در بخش‌های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. استقرای کامل رهنمودهای یاد شده و نیز پرداختن به آنچه امام در طول تاریخ زندگی انقلابی و حیات سیاسی خویش در این زمینه بر جای گذاشته است نمی‌تواند، انگیزه این تحلیل کوتاه باشد چرا که نیاز به فرصت و حوصله‌ای بسیار بیش از این است. هدف فقط آوردن برخی نمونه‌ها و توجه دادن به فرایندهای کم‌توجهی یا برگشت از راهبرد تهاجم می‌باشد. انقلاب اسلامی حرکتی پیشرو است. این حرکت همواره سدها و موانع و تنگناهای بسیاری را در پیش روی خواهد داشت. در کنار بسیاری عوامل دیگر، ویژگی هجومی آن است که می‌تواند اینها را از سر راه بردارد. اگر این حرکت مقدس ویژگی مذکور را از دست بدهد نه تنها روبه‌رو شدن با تهاجم طرف مقابل که دنیای استکبار است امری طبیعی خواهد بود بلکه به شیخون همه‌جانبه‌ای گرفتار خواهد آمد و آن وقت دیگر حتی فرصت دفاع نیز نخواهد ماند چرا که دفاع نیز نیازمند اندیشه و تدبیر است و در یک شیخون، گاه نه تنها جایی برای تفکر باقی نخواهد ماند، بلکه فرصت فرار نیز از دست می‌رود. امام از نخستین روزهای مبارزه تا روزهای پیروزی و از گام‌های نخست پیروزی تا سال‌های پس از آن، رهبری مبارزان امت و امت مبارز را از این موضع پی‌گرفت چرا که یک انقلاب نمی‌تواند تنها در لاک دفاعی خود فرو رود، آن هم انقلابی که فلسفه وجودی آن نشر توحید و مبارزه با شرک و

ظلم و ستم جهانی و رویارویی با سران کفر و استکبار است . حضرت آیت الله خامنه ای درباره این ویژگی مبارزات امام ، سالها پیش فرازی بس گویا و دلنشین دارد :

در سالهای آخر اختناق ، این راهنماینها شتاب ، قاطعیت و صراحت پیامبرانه ای گرفته بود بر همه نظرات و سلیقه ها، بر همه تردیدها و دودلیها، بر همه ضعفها و سستی ها فائق می آمد و در میان کوهی از مشکلات ناباوریهها و ناتوانیها راهی به وسعت عبور یک ملت می گشود... و به کجا می رفت کاروان انقلاب ، اگر این رهبری الهی نمی بود و این ناطقه الهی نمی گفت ؟
(۱۲۳)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹